

چکیده مقاله‌های نخستین همایش بین‌المللی

روابط ایران و روسیه در پرتو تحولات نوین منطقه‌ای



مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران

۱۴۰۰ اسفند ۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده مقاله‌های نخستین همایش بین‌المللی
روابط ایران و روسیه در پرتو تحولات نوین منطقه‌ای
مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران
۹ اسفند ۱۴۰۰

رئیس همایش: الهه کولایی، رئیس مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران
دبیر علمی همایش: شیوا علی‌زاده، معاون مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران
دبیر اجرایی همایش: جعفر خاشع، مدیرعامل بنیاد مطالعات قفقاز
هماهنگ‌کننده: پیمان کاویانی‌فر، پژوهشگر مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی

اعضای کمیته علمی و شورای سیاست‌گذاری: دکتر اکبر ولی‌زاده، دکتر محمدرضا مجیدی، دکتر
جهانگیر کرمی، دکتر بهاره سازمند، دکتر سیدمهدی حسینی تقی‌آباد، دکتر الکساندر شاتیلوف،
دکتر الکساندر چولوخادزه، دکتر الکساندر اسکندریان، دکتر آلان اوآداتی، دکتر دیمتری
پلیتییف، دکتر انار ولی‌یف

ویراستار: اعظم مرادی تبریزی
برگزارکننده: مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران

همکاران: بنیاد مطالعات قفقاز، انجمن علمی ایرانی مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبائی،
خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)

بهار ۱۴۰۱

مجموعه مقاله‌های

همایش بین‌المللی روابط ایران و روسیه در پرتو تحولات نوین منطقه‌ای

بر پایه کد اختصاصی (۱۲۲۸۲-۰۱۲۲۰) پایگاه علوم استنادی جهان اسلام

(آی اس سی) درجه علمی - پژوهشی دارد.

فهرست

- ۱.....نظم جدید منطقه‌ای و نیاز ایران و روسیه به همکاری
مصطفی اسماعیلی و امیر اسدزاده
- ۲.....بررسی طرح خاورمیانه بزرگ و تأثیر آن بر همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه (۲۰۱۰-۲۰۲۰).....
مرضیه اعتمادیان و منصور باقدم
- ۳.....مفهوم امنیت جمعی روسیه برای خلیج فارس: ابتکاری غیرجامع و نیازمند بازنگری.....
فردین افتخاری
- ظرفیت‌های سیاست‌گذاری امنیتی فدراسیون روسیه در منطقه آسیای مرکزی برای سیاست خارجی
جمهوری اسلامی ایران.....۴.....
روزبه آقایی بیک لواسانی
- ۵.....بررسی زمینه‌های همکاری پارلمانی منطقه‌ای ایران و روسیه در چارچوب آسیای مرکزی.....
دکتر سید داود آقایی و غلامرضا خادمی
- ۶.....ایران و روسیه و افغانستان، پس از خروج نیروهای ناتو.....
فاطمه‌زهره اکبری
- ۷.....چالش‌ها و فرصت‌های همگرایی منطقه‌ای کشورهای حوزه دریای خزر.....
منصور باقدم و محمد کرمپوری
- ۸.....تبیین چالش‌های موجود در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه.....
احمد بخشایش اردستانی و محمد توحیدفام، مسعود مطلبی، داود محقق
- ۹.....از خزر تا هلسینکی؛ طرح توسعه کانال ولگا - بالتیک و تأثیر آن بر روابط ایران و روسیه.....
خدایار براری و الهه بروجردی
- ۱۰.....ثبات راهبردی «منطقه‌ای» در روابط ایران و روسیه؛ رویکرد و زمینه‌های همکاری.....
علیرضا نوری
- ۱۱.....ایران و روسیه: وجوه اشتراک‌ها و اختلاف‌ها و تأثیر آن بر نظم جدید امنیتی منطقه خاورمیانه.....
عارف بیژن
- ۱۳.....آیا ایران می‌تواند گروه طالبان را همانند محور مقاومت در کنترل خود در بیاورد.....
فاطمه پاکزاد و زهرا پاکزاد
- ۱۴.....روابط ایران و روسیه در پرتو تحولات نوین منطقه‌ای.....
واژگن پطروسیان
- ۱۵.....رابطه ایران و روسیه در غرب آسیا.....
سمه جای‌باش
- ۱۶.....روابط ایران و روسیه در پرتو رقابت هند و چین.....
علی‌اکبر جعفری و جواد شفقت‌نیا آباد
- ۱۷.....سیاست خارجی چین در قبال کشورهای آسیای مرکزی با رویکرد دیپلماسی عمومی.....
محمدجعفر جوادی ارجمند و محمدباقر مکرمی‌پور
- ۱۸.....تأثیر راه‌گذرهای شمال جنوب و طرح یک کمربند و یک راه بر نظم بین‌المللی.....
وحید حسین زاده و شیما هادی‌زاده زرنندی
- ۱۹.....عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیائی، آسیب‌های احتمالی اقتصادی.....
وحید حسین‌زاده و زهرا خدایین

- نظریه کرین بریتون و چگونگی سیطره طالبان بر افغانستان؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی همسایگان..... ۲۰
جعفر خاشع
- بررسی ماهیت جغرافیایی بحران قفقاز و آنچه از جغرافیا و نقشه باید آموخت ۲۱
سعیدرضا خلخالی
- پنداره ایران در اندرونی ماتریوشکا ۲۲
محسن خلیلی
- ثبات‌سازی راهبردی و همکاری‌های ضدتروریستی ایران و روسیه در دوره خروج آمریکا از افغانستان ۲۳
امیر عباسی خوشکار
- بررسی جایگاه ایران و روسیه در آینده امنیت منطقه‌ای آسیای مرکزی ۲۴
محمد ابراهیم داریوش‌فر
- راهبرد نظامی فدراسیون روسیه در سوریه در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ ۲۵
علیرضا زمانیان و محمدرضا دهشیری
- انحصار دیجیتال در روابط ایران و روسیه ۲۶
معصومه رشاد و سائنا بازرگان
- طرح «ب» آمریکا و مهندسی چالش‌های منطقه در افغانستان پس از خروج ۲۷
معصومه رشاد و سائنا بازرگان
- خطای اسنادی تزارها در مقابل یانکی‌ها: مطالعه موردی قفقاز ۲۸
دانیال رضاپور و صدیقه آذین
- بررسی نقش کانال‌های تخصصی تلگرامی فارسی در روابط ایران و روسیه ۲۹
الهه کریمی ریابی
- ایران و روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیائی در پرتو نظریه نو منطقه‌گرایی ۳۰
سمیه زنگنه
- زمینه‌ها و ظرفیت‌های گسترش همکاری ایران و روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیائی ۳۱
بهاره سازمند و فرهاد خدامرادی
- توازن نظامی جدید روسیه و ناتو؛ تأثیر آن بر همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و روسیه ۳۲
محسن سلیمانی‌پور
- دلایل همکاری ایران و روسیه در غرب آسیا ۳۳
عاطفه شهبواری و یوسف صابر
- تأثیر تحریم‌های متقابل اتحادیه اروپا و روسیه بر روابط این کشور با ایران ۳۴
علی صباغیان
- الگوی همکاری روسی - ترکی در بحران سال ۲۰۲۰ قره‌باغ و تأثیر آن بر آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در قفقاز جنوبی ۳۵
محمد صداقت
- نقش آرتامونوف لئونید کنستانتینویچ تمساح نیل دیپلمات روسیه در روابط ایران و روسیه ۳۶
منیژه صدری و رستم حاجی‌اف توفیق‌اوغلی
- پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی تحولات افغانستان ۳۷
علی طائی
- دیدگاه شهروندان روسیه در مورد ایران؛ مطالعه موردی بررسی پنج سایت خبری بزرگ روسیه ۳۸
موسی عبداللهی

- جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ علیه منافع ملی ایران و همکاری با روسیه برای مقابله با تهدیدهای آن..... ۳۹
عبدالرحمان عبدانی
- پیامدهای خروج آمریکا از افغانستان بر آسیای مرکزی..... ۴۰
مسعود فتحی‌پور
- نقش مناطق آزاد مرزی در توسعه اقتصاد ملی و مقابله با تحریم‌ها؛ مطالعه موردی منطقه آزاد ارس..... ۴۱
حامد فروزان و علی کرمی
- فراز و فرود روابط تهران و مسکو؛ تنگناهای رسیدن به تعاملات راهبردی..... ۴۲
معصومه فلاحتی
- فرصت‌ها و مانع‌های همکاری ایران و روسیه در پرتو تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی..... ۴۳
دکتر مصطفی قادری حاجت و حسین امیرابراهیمی
- توسعه دیپلماسی چندجانبه نظامی ایران، روسیه و چین در غرب آسیا..... ۴۴
وحید قربانی
- تأثیر بحران سوریه بر روابط ایران و روسیه..... ۴۵
ولیخان میرزاخان‌اف و زهرا قیاسی
- بررسی افول روسیه و تأثیر آن بر همکاری‌های راهبردی با ایران در غرب آسیا..... ۴۶
محمد کرمپوری و منصور باقدم
- لزوم همکاری مشترک دفاع زیستی ایران و روسیه برای مقابله با بحران‌های زیستی..... ۴۷
عباس مثنوی
- سازمان همکاری شانگهای و افغانستان پس از خروج نیروهای ناتو، با نگاهی به همکاری قدرت‌های منطقه‌ای..... ۴۸
دکتر محمدرضا مجیدی، غلامرضا خادمی و سعیده شمس
- جایگاه فدراسیون روسیه در سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران..... ۴۹
محمدرضا مجیدی، علیرضا ثمودی
- خط لوله ابریشم گازی؛ ایجاد پان منطقه‌گرایی چین، ایران و اتحادیه اروپا (تعامل یا تقابل روسیه)..... ۵۰
محمدرضا مجیدی و سیدمحمود حسینی
- راهبردهای ارتقای روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه با استفاده از مدل راهبردی اس‌ا‌ی آر..... ۵۱
امیررضا اسدی و عبدالله مرادی
- همکاری‌های منطقه‌ای ایران و روسیه در غرب آسیا..... ۵۲
زهرا معارف‌وند
- روسیه، ایران و پاکستان در خاورمیانه: نزدیک شدن به امنیت پایدار در خلیج فارس..... ۵۳
امیر حسین معصومی
- بررسی نقش رسانه‌های روسیه در شکل‌گیری شناخت فرهنگی و سیاسی متقابل ایران و روسیه با بررسی موردی پایگاه اینترنتی اسپوتنیک فارسی و ریانوستی روسیه..... ۵۴
امیرحسین معصومی
- ژئوکالچر: هدف‌های سیاست خارجی روسیه بر مدیریت بحران قره‌باغ..... ۵۵
محمدباقر مکرمی پور و حدیث باقری‌نیا
- نقش راه‌گذر شمال - جنوب در تحول روابط امنیتی ایران و روسیه..... ۵۶
عابد نوروزی زرمهری

بازنگری در روابط ایران و روسیه در چارچوب سازوکارها و منافع دوجانبه منطقه‌ای.....	۵۷
جواد هروی	
دیپلماسی ترکیه در افغانستان: تأثیر آن بر منافع ایران و روسیه پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان.....	۵۸
طیبه واعظی	
زمینه‌های همکاری ایران و روسیه در چارچوب سازوکارها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.....	۵۹
سعید وثوقی و فاطمه کولیوند	
نقش رسانه‌های جمعی در مدیریت افکار عمومی روسیه در مورد روابط دوجانبه و چندجانبه با	
جمهوری اسلامی ایران.....	۶۰
علی رضا ولی‌پور، مصطفی فضلوی و مهدیه قاسمی	
Развитие Отношений Ирана С Субъектами Северо-Кавказского Федерального Округа В Начале XXI Века.....	61
Крючков И.В.	
Russian-Iranian Relations and the Ukrainian Crisis: Old Challenges, New Perspectives.....	62
Nikolay Kozhanov	
Iran and Russia as Objects and Subjects of Western Psychological Operations and Information Warfare.....	63
Greg Simons	
Potential Instability and Crisis in Central Asia: The Role of Iran and Russia .	65
GuliYuldasheva	
Terrorism in Central Asia and the role of Russia and Iran in the Stability of Region: a Case Study of Kazakhstan.....	66
Zaru Utekova	
Representation of Russia and its Foreign Policy in Iranian Media	67
Ali Ahmadi and Seyed Mohammad Hossein Mirhashemi	
Iran and Russia “Security Trilemma” in the Post-NATO Afghanistan	68
Masomeh Mohammadi	
The Impact of the Syrian Crisis on the Russia-Iran Relationship	69
Velikhan S. Mirzekhanov and Zahra Ghiasi	
Russia’s Military Diplomacy in West Asia.....	71
Reza Ekhtiari Amiri	

نظم جدید منطقه‌ای و نیاز ایران و روسیه به همکاری

مصطفی اسماعیلی^۱

امیر اسدزاده^۲

در سال‌های اخیر در محیط پیرامونی ایران و روسیه از خاورمیانه و قفقاز جنوبی گرفته تا آسیای مرکزی و افغانستان شاهد تحولات مهمی هستیم که پایه‌های نظم جدیدی را شکل می‌دهند. یکی از ابعاد مهم این تحولات چرخش سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا و جایگزینی کشورهای متحد منطقه و همچنین نیروهای غیردولتی نیابتی بر حضور مستقیم خود در منطقه است. هرچند در کلان‌مسئله باز رقیب ایران و روسیه در پیگیری هدف‌ها و منافع منطقه‌ای خود آمریکا است، ولی تغییرهای تاکتیکی لزوم هم‌فکری و همکاری ایران و روسیه بر بهره‌برداری از وضعیت‌های پیش‌آمده را بیش از پیش آشکار می‌سازد. در صورت شناخت نادرست و نداشتن هم‌افزایی بین بازیگران منطقه‌ای، چه بسا رویکردهای غیرمستقیم جدید آمریکا هزینه‌های بیشتری از قبل به کشورهای منطقه تحمیل کند. یک مورد شکست ایران و روسیه به دلیل نداشتن همکاری آن دو، قدرت‌یابی سیاسی، نظامی و اقتصادی ترکیه در قفقاز به عنوان یکی از متحدان آمریکا در ناتو است. همکاری نداشتن روسیه و ایران در تحولات یک سال اخیر قفقاز جنوبی و از سوی دیگر شکل‌گیری محور اسرائیل، ترکیه، جمهوری آذربایجان و پاکستان هزینه‌های سنگینی به دو کشور تحمیل کرده است که نتایج آن در سال‌ها و دهه‌های آینده ملموس‌تر خواهد بود. از این رو، در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که چرا ایران و روسیه نتوانستند در قفقاز جنوبی در برابر ترکیه به نیابت از غرب همکاری کنند؟ به نظر می‌رسد حاکمیت ذهنیت قدیمی یک‌جانبه‌گرایی روسیه در فضای پساشوروی مهم‌ترین عامل نداشتن همکاری دو کشور در قفقاز جنوبی شد که این مسئله سرانجام به زیان هر دو دولت تمام خواهد شد.

واژگان اصلی: آمریکا، ایران، ترکیه، روسیه، قفقاز جنوبی، یک‌جانبه‌گرایی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبائی، mostafa.esmaili1986@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

بررسی طرح خاورمیانه بزرگ و تأثیر آن بر همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه

(۲۰۲۰-۲۰۱۰)

مرضیه اعتمادیان^۱

منصور باقلم^۲

پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مبارزه با تروریسم، اولویت اصلی در سیاست خارجی آمریکا محسوب شد. بنابراین دولت بوش در سال ۲۰۰۲، برای مهار تروریسم طرح خاورمیانه بزرگ را مطرح کرد که اصلاحاتی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی را در بر می‌گرفت. اما در عمل به عراق لشکر کشید که نشان می‌دهد این طرح سیاسی و امنیتی است. خروج آمریکا از عراق و شروع درگیری‌ها در سوریه زمینه لازم را برای رشد گروه‌های تروریستی فراهم کرد. در این پژوهش در پرسش مطرح می‌شود که طرح خاورمیانه بزرگ چه تأثیری بر همکاری ایران و روسیه در سوریه داشته است؟ در پاسخ این فرضیه بیان می‌شود، ایران و روسیه در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای مخالف سیاست‌های آمریکا هستند و درگیری و تجزیه سوریه را بخشی از طرح امنیتی آمریکا در خاورمیانه برآورد می‌کنند. همین دلایل سبب همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه شده است. نتایج پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی تحلیلی، نشان می‌دهد که روسیه و ایران در سوریه منافع سیاسی و اقتصادی دارند و در سطح منطقه‌ای هر دو کشور از گسترش تروریسم به مرزهای خود نگرانند و منافع خود را در گرو حفظ یکپارچگی سرزمینی سوریه می‌دانند. شیوه گردآوری اطلاعات برپایه منابع کتابخانه‌ای و منابع معتبر اینترنتی است.

واژگان اصلی: آمریکا، ایران، تروریسم، روسیه، سیاست خارجی، طرح خاورمیانه بزرگ.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه یزد، marziyehetemadiyan97@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، mansourbaghadam@gmail.com

مفهوم امنیت جمعی روسیه برای خلیج فارس:

ابتکاری غیرجامع و نیازمند بازنگری

فردین افتخاری^۱

زمانی که ترامپ در سال ۲۰۱۷ ریاست جمهوری آمریکا را به دست گرفت، پیش‌بینی می‌شد دوره‌ای پرتلاطم در انتظار سیاست خارجی آمریکا به‌ویژه در منطقه خاورمیانه پیش باشد. این پیش‌نگری کم‌وبیش به واقعیت پیوست و با محوریت ایران، تنش‌ها در خاورمیانه به حد بی‌سابقه‌ای رسید و سبب شد تا قدرت‌های مهمی همچون روسیه در پی کمک به کنترل شرایط و جلوگیری از تشدید بیشتر تنش‌ها برآیند. مسکو در کنار تقبیح اقدام‌های ترامپ در تحریم و تهدید ایران و ضربه‌زدن به توافق امنیتی مهم برجام و کشاندن منطقه به آستانه جنگی همه‌جانبه، تلاش کرد تا در منظومه‌ای کلی، نقش یک میانجی بی‌طرف دیپلماتیک را نیز را به واسطه ابتکار خود یعنی «مفهوم امنیت جمعی در خلیج فارس» ایفا کند. این ابتکار که مبتنی بر اصول احترام متقابل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بر اساس منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل تدوین شده است، از ایران و کشورهای عرب منطقه می‌خواهد که با کنار گذاشتن درگیری، از جایگاهی برابر مسائل خود را با مسالمت و همکاری‌های چندجانبه حل‌وفصل کند. ولی گذر زمان و مسیر تحولات نشان داده است که این طرح دیپلماتیک روسیه ضعیف‌ها و کاستی‌های درخور توجهی دارد. به همین دلیل، در پویش‌های امنیتی و دیپلماتیک خاورمیانه در حاشیه قرار گرفته است. مهم‌ترین علل این برآیند را چنین می‌توان بیان کرد: نخست، این طرح دیپلماتیک هیچ‌گونه مسیر اقدامی و منابع عملیاتی برای روسیه متصور نیست و مشخص نمی‌کند که روسیه کدام طیف از مسئولیت‌ها یا اقدام‌ها را می‌خواهد در جهت طرح امنیت جمعی منطقه‌ای انجام دهد؛ دوم، شدت درگیری‌های ایران و قدرت‌های عربی را به‌ویژه با توافق‌نامه‌های صلح میان اسرائیل و برخی کشورهای عربی نادیده یا کم‌اهمیت می‌انگارد؛ سوم، توجه نمی‌کند که شرایط ایران و همسایگانش در منطقه، کاملاً متأثر از سیاست خارجی ایالات متحد آمریکا در تحریم، تهدید و انزوای ایران است؛ چهارم، مفاد مفهوم امنیت جمعی روسیه برای خلیج فارس نقش رقابت قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه مانند چین، آمریکا و خود روسیه را در تضعیف امنیت منطقه‌ای و جمعی و در نتیجه، لزوم برتری توافق و تفاهم میان این قدرت‌ها در رسیدن به منطقه‌ای باثبات و امن را در مفاد خود جای نمی‌دهد. در نتیجه، ابتکار روسی مفهوم امنیت جمعی در خلیج فارس، چشم‌اندازی اندک در تبدیل به یک طرح عملیاتی مقبول در خاورمیانه دارد و نیازمند بازنگری اساسی، جامعیت و از همه مهم‌تر تعیین فرایند و منابع قدرت اجرایی است.

واژگان اصلی: امنیت جمعی، آمریکا، خاورمیانه، خلیج فارس، روسیه.

ظرفیت‌های سیاست‌گذاری امنیتی فدراسیون روسیه در منطقه آسیای مرکزی

برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

روزبه آقایی بیک لواسانی^۱

یکی از جنبه‌های مهم در حوزه تعاملات منطقه‌ای و جهانی، درک مناسب بازیگران از موقعیت منطقه هدف و کنشگران اصلی آن در چارچوب هدف‌های تعیین شده است. به گونه‌ای که این چارچوب‌ها علاوه بر تعیین الگوهای سیاست خارجی، در طراحی چارچوب‌های آن نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. تعریف منطقه خارج نزدیک برای جمهوری‌های بازمانده از اتحاد شوروی توسط فدراسیون روسیه، چارچوبی جدید در منطقه آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی سه جمهوری بازمانده از شوروی در اروپای شرقی را بنا نهاد. پیریزی و پیگیری این چارچوب را فدراسیون روسیه در قالب سیاست‌گذاری‌های مختلف امنیتی و دفاعی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دنبال می‌کند. در این مقاله به این پرسش پاسخ می‌دهیم که با توجه به الگوهای روسی و چارچوب سیاست‌گذاری فدراسیون روسیه در منطقه آسیای مرکزی در بعد امنیتی، تأثیر این الگوها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چگونه خود را متبلور می‌سازد. در پاسخ این فرضیه را مطرح می‌کنیم که از نگاه مدیریت خطر، ظرفیت‌های ایجادشده در آسیای مرکزی می‌تواند فرصت‌ها و پویایی‌هایی را در اختیار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. در این پژوهش از نظریه انتخاب عقلایی در چارچوب دانش سیاست‌گذاری عمومی استفاده شده است. همچنین روش‌شناسی این پژوهش نیز در چارچوب روش تحلیلی مبتنی بر مدل ارزیابی و مدیریت خطر است.

واژگان اصلی: خارج نزدیک، سیاست‌گذاری امنیتی، کنشگری عقلایی، الگوهای سیاست خارجی، مدیریت خطرپذیری، موازنه مؤثر قوا.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، rouzbeh.aghaieeb@ut.ac.ir

بررسی زمینه‌های همکاری پارلمانی منطقه‌ای ایران و روسیه در چارچوب آسیای مرکزی

دکتر سید داود آقایی^۱

غلامرضا خادمی^۲

آنچه هم اکنون کمتر سبب اختلاف پژوهشگران مطالعات منطقه‌ای قرار می‌گیرد، نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی در فرایند همکاری منطقه‌ای است. با وجود این، در مطالعات منطقه‌ای ظرفیت بالقوه پارلمان و همکاری‌های پارلمانی چندجانبه جمهوری اسلامی ایران و روسیه دیده و بررسی نشده است. هرچند هم جمهوری اسلامی ایران و هم روسیه در برخی مجامع پارلمانی از جمله مجمع مجالس آسیایی عضویت دارند. علاوه بر این، مجامع پارلمانی دیگر همچون مجامع پارلمانی کشورهای مستقل هم‌سود در سطح منطقه فعال هستند. بر این اساس، بررسی ظرفیت پارلمان‌گرایی چندجانبه در تسهیل زمینه‌های همکاری‌های منطقه‌ای ایران و روسیه به‌علاوه کشورهای آسیای مرکزی برای نمونه در افغانستان در چارچوب هزینه - فایده و البته ارائه راهکارها در خور تأمل جدی است.

واژگان اصلی: ایران، آسیای مرکزی، پارلمان، روسیه، همکاری.

۱. استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، sdaghaee@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، khademi2735@gmail.com

ایران و روسیه و افغانستان، پس از خروج نیروهای ناتو

فاطمه‌زهرا اکبری^۱

آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۱ پس از حمله‌های ۱۱ سپتامبر به بهانه حذف تروریسم و جنگ با طالبان به افغانستان حمله کردند. با خروج شتاب‌زده و غیرمسئولانه نیروهای آمریکایی و ناتو، طالبان برای به‌دست‌آوردن قدرت بیشتر در آینده افغانستان، بیشتر از گذشته دست به تصرف مناطق این کشور زده است. دولت افغانستان در مقابل طالبان ضعیف و منفعل عمل می‌کند و نیروهای ارتش افغانستان توانایی جلوگیری از پیشروی نیروهای طالبان را ندارند. توافق میان طالبان و دولت افغانستان می‌تواند نقشه راهی برای جلوگیری از افزایش تنش در افغانستان باشد. یکی از هدف‌ها خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان می‌تواند تبدیل طالبان به چالشی برای سیاست خارجی ایران باشد، اما طالبان هیچ‌گاه تهدید جدی برای ایران نیست. ایران با هدف ایجاد صلح در افغانستان با طالبان مذاکره می‌کند تا از تشدید رقابت‌های منطقه‌ای و جنگ داخلی در افغانستان و سرانجام دخالت نیروهای خارجی جلوگیری شود. طالبان به دلیل افزایش نگرانی روسیه برای امکان بروز مناقشه در مرز این دو کشور، در پی مذاکرات دوجانبه با روسیه به دنبال ارائه تضمین برای حفظ امنیت مرز این کشور است. روسیه به عنوان بازیگر جایگزین آمریکا برای افزایش نفوذ سیاسی در افغانستان راهبرد حمایت و پشتیبانی مالی و نظامی از دولت افغانستان در مقابله با گروه طالبان را در پیش بگیرد تا از این راه بتواند از افزایش احتمالی ناامنی و افراط‌گرایی به سوی مرزهای خود یا کشورهای هم‌جوار جلوگیری کند. در این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که روابط ایران و روسیه با افغانستان پس از خروج نیروهای ناتو چه خواهد بود؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که با خروج نیروهای ناتو از افغانستان، در صورتی که صلح و ثبات با دولت افغانستان و طالبان برقرار شود، امکان تسلط و نفوذ ایران و روسیه در افغانستان و منطقه بیشتر خواهد شد.

واژگان اصلی: آمریکا، افغانستان، ایران، روسیه، طالبان، نیروهای ناتو.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه علامه طباطبائی، akfzahra@gmail.com

چالش‌ها و فرصت‌های همگرایی منطقه‌ای کشورهای حوزه دریای خزر

منصور باقدم^۱

محمد کرمپوری^۲

حوزه دریای خزر از پنج کشور روسیه، ایران، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و قزاقستان تشکیل شده است. با وجود اینکه کشورهای حوزه دریای خزر روابط تاریخی و فرهنگی و اقتصادی مشترکی دارند، به دلایل متعددی در امر همگرایی ناکام بوده‌اند. پرسش مطرح شده در این پژوهش این است که چالش‌های پیش روی همگرایی منطقه‌ای حوزه دریای خزر کدام‌اند؟ در پاسخ این فرضیه بیان می‌شود که چالش‌های حقوقی و اختلاف مرزی دریایی، توافق‌های دو یا سه جانبه و حرکت به سوی نظامیگری در دریای خزر سبب ناکام ماندن همگرایی در منطقه شده است. در این نوشتار با استفاده از رویکرد توصیفی تحلیلی و بر مبنای نظریه نوکارکردگرایی، به چالش‌ها و فرصت‌های همگرایی کشورهای حوزه دریای خزر می‌پردازیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که همکاری مشترک همه کشورهای عضو در قالب سازمان همکاری کشورهای حوزه دریای خزر در کوتاه مدت سبب می‌شود که اختلاف‌های مرزی به حداقل برسد. در نتیجه، رویکرد نظامی‌گری در دریای خزر کاهش پیدا کند و سرانجام کشورهای حوزه دریای خزر به سوی همگرایی حرکت خواهند کرد و در طولانی مدت نیز کاهش نقش و تأثیر بازیگران مداخله‌گر فرامنطقه‌ای را به دنبال خواهد داشت. شیوه گردآوری اطلاعات بر پایه منابع کتابخانه‌ای و منابع معتبر اینترنتی است.

واژگان اصلی: اختلاف مرزی، دریای خزر، فرصت، تهدید، کشورهای دریای خزر، نظامی‌گری، همگرایی منطقه‌ای.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، mansourbaghadam@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی فردوسی مشهد، mohammadkaram@gmail.com

تبیین چالش‌های موجود در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه

احمد بخشایش اردستانی^۱داود محقق^۲

ایران و ترکیه دو بازیگر قدرتمند در منطقه پیرامونی خود محسوب می‌شوند که هر کدام هدف‌های مشخصی را در جهت منافع خود دنبال می‌کنند. با توجه به مجموعه‌ای از ویژگی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، روابط این دو کشور که از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بازیگران منطقه به شمار می‌روند در طول تاریخ، دست‌خوش چالش‌های متعددی بوده است. در این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم «چالش‌های موجود در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه کدامند؟» در صدد تبیین این چالش‌ها برآمده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است چالش‌های فرهنگی، در قالب اختلاف‌های قومی، رقابت مذهبی شیعه و سنی و روابط ایران و علویان ترکیه، چالش‌های سیاسی امنیتی، در قالب رقابت ایران و ترکیه در عراق و سوریه، مسئله کردها، عضویت ترکیه در ناتو و نیز چالش‌های اقتصادی که بیشتر بر منافع کوتاه‌مدت دو طرف متکی بوده است تا منافع ناشی از همکاری درازمدت و راهبردی، از مهم‌ترین چالش‌های موجود در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه هستند. راهکارهای کاهش چالش‌های موجود در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، تأکید بر پیوندهای فرهنگی مذهبی و تقویت عوامل همگرایی، همکاری در راستای منافع مشترک پیرامون مسائل منطقه‌ای و تنش‌زدایی با تکیه بر گفت‌وگو و دیپلماسی فعال و نیز بهبود روابط اقتصادی با توجه به ظرفیت‌های مناسب دو کشور است.

واژگان اصلی: ترکیه، جمهوری اسلامی ایران، چالش، منطقه، منطقه‌گرایی.

۱. استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، davood.m6366@yahoo.com

از خزر تا هلسینکی؛ طرح توسعه کانال ولگا - بالتیک و تأثیر آن بر روابط ایران و روسیه

خدایار براری^۱

الهه بروجردي^۲

۲۲ ژوئیه ۲۰۲۱ آلکسی رحمانوف، رئیس شرکت واحد کشتی‌سازی روسیه در جلسه‌ای با ولادیمیر پوتین درباره اقدام‌ها و برنامه‌های این سازمان در جهت توسعه آبراه ولگا گزارش داد. با توجه به اینکه کانال ولگا مسیر آبی ارتباط دریای خزر با بندر سنت‌پترزبورگ در شمال غرب روسیه است و از راه پترزبورگ به آب‌های دریای بالتیک و منطقه اسکاندیناوی راه پیدامی‌کند، در این مقاله ضمن بررسی ابعاد طرح روسیه برای توسعه این آبراه، به این پرسش پاسخ می‌دهیم که این طرح چه تأثیری بر روابط دوجانبه و همکاری‌های ایران و روسیه در راستای فعال‌سازی راه‌گذر حمل‌ونقل بین‌المللی «شمال - جنوب» خواهد داشت؟ در این پژوهش که ماهیت توصیفی - تحلیلی دارد، به کمک مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل داده‌ها، اخبار و مطالب منتشرشده مربوط با موضوع در سایت‌ها و منابع معتبر، به بررسی اهمیت و چشم‌انداز طرح توسعه آبراه ولگا می‌پردازیم.

اگرچه دو دهه از امضای موافقت‌نامه راه‌گذر شمال - جنوب بین سه کشور ایران، روسیه و هند می‌گذرد، هنوز این طرح به‌طور کامل اجرایی نشده است. این مسیر که دریای عمان و بندر چابهار ایران را از راه روسیه به دریای بالتیک و فنلاند متصل می‌کند، در صورت عملیاتی‌شدن می‌تواند به یکی از مسیرهای مهم حمل‌ونقل جایگزین و رقیب مسیر کانال سوئز تبدیل شود. در این صورت اهمیت ژئوپلیتیک و جایگاه ایران در منطقه و نقش این کشور در تجارت بین‌الملل افزایش خواهد یافت. بنابراین می‌توان انتظار داشت که طرح‌هایی چون توسعه آبراه ولگا علاوه بر تسهیل و افزایش روابط تجاری ایران با روسیه از راه دریای خزر، موجب تقویت ترانزیت بین‌المللی از مسیر ایران و راهروی شمال - جنوب می‌شود.

واژگان اصلی: ایران، دریای خزر، راه‌گذر شمال - جنوب، روسیه، ولگا.

۱. استادیار گروه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، khbarari@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، دانشکده مطالعات جهان،

boroujerdi73elahe@gmail.com

ثبات راهبردی «منطقه‌ای» در روابط ایران و روسیه؛

رویکرد و زمینه‌های همکاری

علیرضا نوری^۱

هدف این مقاله بررسی مفهومی و عملیاتی ثبات راهبردی منطقه‌ای در روابط ایران و روسیه و فرصت‌ها و تهدیدهای آن است. ثبات منطقه‌ای به عنوان یکی از متغیرهای مهم همکاری‌ساز در روابط تهران و مسکو، در گستره وسیعی از مناطقی که دو کشور در آنها منافع دارند از افغانستان، تاققاز جنوبی، خلیج فارس و خاورمیانه با چالش مواجه شده است. ایران و روسیه با عبور از مفهوم سنتی «ثبات راهبردی» که موضوعی مربوط به قدرت‌های بزرگ و در حوزه نظامی - اتمی تعریف می‌شده و تمرکز بر تعریف جدید آن که بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای را نیز شامل می‌شود، همکاری به این منظور را در دستور دارند. دو کشور با درنظرداشت منابع محدود خود و توجه به پویایی‌های سریع مناطق بازگفته، به‌ویژه امکان سرریز سریع بی‌ثباتی‌ها و تهدیدها از یک منطقه به مناطق مجاور و عرصه بین‌الملل، تأمین منافع بلندمدت خود را در گرو برقراری ثبات راهبردی منطقه‌ای می‌دانند. این مقاله با رویکرد سیستمی و توجه به ارتباط متقابل تحولات منطقه‌ای و بین‌الملل و تمرکز بر تعریف جدید و بُعد منطقه‌ای ثبات راهبردی، رویکرد و زمینه‌های همکاری تهران و مسکو در این زمینه را تحلیل می‌کند. هرچند روسیه در تأمین ثبات راهبردی موازنه‌گری و تعامل سطح کلان با امریکا را همچنان پراهمیت می‌داند، اما واقعیت تضعیف خودبسندگی قدرت‌های بزرگ در تحقق ثبات راهبردی و این را بدون جلب همکاری قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران برقراری این مهم از جمله در سطح منطقه‌ای مقدور نیست، نیز پذیرفته است. درک این واقعیت باعث سوق روسیه به همکاری با ایران برای ثبات‌بخشی منطقه‌ای شده که نمود آن در گفت‌وگوها و تعاملات دو کشور درباره جنگ و تروریسم در افغانستان، تحولات سوریه، جنگ قره‌باغ، تنش در خلیج فارس و بی‌ثباتی در خاورمیانه دیده می‌شود. گرایش مسکو به همکاری با ایران در این زمینه در متن مفهوم «ثبات راهبردی منطقه‌ای» که تأییدی بر اهمیت تهران در سیستم سیاسی و امنیتی منطقه است، نه تنها برای تهران امنیت‌ساز است، بلکه می‌تواند بستری برای توسعه روابط در سایر زمینه‌ها نیز باشد.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، ثبات راهبردی منطقه‌ای، خاورمیانه، افغانستان، قفقاز جنوبی.

۱. استادیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، ar_noori@sbu.ac.ir

ایران و روسیه: وجوه اشتراک‌ها و اختلاف‌ها و

تأثیر آن بر نظم جدید امنیتی منطقه خاورمیانه

عارف بیژن^۱

افول تدریجی موقعیت ایالات متحد و تقویت نسبی موضع ایران در منطقه راهبردی خاورمیانه همراه با اتحاد تاکتیکی ایران با روسیه هم‌زمان با رقابت پیچیده بین دوطرف، ایران را توانا ساخته تا در مقایسه با ۱۰ سال گذشته، سیاست خارجی بلندپروازانه‌تری را در سال‌های پس از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) دنبال کند. با فروپاشی نظم‌های ملی در کشورهای همسایه ایران، همچون سوریه، عراق و یمن، خلأهایی از امنیت در منطقه ایجاد شده است که ایران توانسته به‌طور نسبی آن را پر کند. از سوی دیگر، سیاست روسیه نیز در خاورمیانه به نوبه خود اهمیت ویژه‌ای دارد، چنانچه مسکو بازگشتی همه‌جانبه به منطقه‌ای بسیار بی‌ثبات داشته است که متفاوت از رویکردهای دوران اتحاد شوروی است. در این نوشتار به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که اختلاف‌ها و اشتراک‌های ایران و روسیه چه تأثیری بر نظم جدید امنیتی خاورمیانه می‌گذارد. در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که با توجه به تعدد بازیگران تأثیرگذار و نقش‌آفرینی متفاوت گروه‌های مختلف، از یک‌سو، اشتراک‌ها به دنبال آن همگرایی این دو کشور می‌تواند سبب شکل‌گیری ثبات هژمونیک در امنیت منطقه خاورمیانه شود. از سوی دیگر، اختلاف‌ها و واگرایی در سیاست‌های ایران و روسیه به کلی نظم جدید امنیتی خاورمیانه را در وضعیت پیچیدگی قرار خواهد داد. نظم خاورمیانه آشوب‌گونه است، زیرا که قطب‌های قدرت در خاورمیانه در وضعیت گذار هستند. در این وضعیت، نوعی سردرگمی و آشوب در منطقه وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد ایران و روسیه در مورد پرونده سوریه همگرایی نسبی دارند، جایی که هر دو کشور دورنمای پدیدآمدن رژیم جدیدی را رد می‌کند که روس‌ها از طرفدار غرب بودن و ایرانی‌ها از طرفدار سعودی بودن آن بیم دارند. بدین ترتیب، این دو کشور خود را به‌عنوان حامی وضع موجود معرفی کرده و اعلام می‌کنند که منفعت مخالفان آن‌ها تنها در بی‌ثبات کردن سوریه است. همچنین تلاش دوجانبه بین روسیه و ایران برای مبارزه با تروریسم، یعنی گروه‌های شورشی جهادی سنی است و حضور نظامی روسیه در سوریه سبب شده است تا این دو کشور به همکاری نظامی جدیدی علیه جهادیان سنی سوق پیدا کنند. در این مرحله، واگرایی آن‌ها در مورد اسرائیل و ایران، اسرائیل را به‌عنوان رقیب اصلی خود در منطقه می‌بیند، در حالی که روسیه رابطه دیپلماتیک با این کشور یهود داشته است - عامل اصلی در مشارکت آن‌ها نیست. همچنین شیعه‌شدن در سوریه نیز به همین ترتیب منبع اختلاف یا واگرایی مسکو و تهران بوده است. روسیه بازگشت سنی‌ها و ایران انتقال و صدور شیعه را ترجیح می‌دهد. مشارکت دوجانبه آن‌ها در کل ناشی از رقابت بین ایالات متحد و روسیه و همچنین تنش بین ایران و آمریکا است. به نظر می‌رسد با وجود پیوندهای قابل توجهی

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه دولتی سن پترزبورگ روسیه، aref.bijan2018@gmail.com

که سبب همگرایی ایران و روسیه برای هموارکردن مسیر خود در رسیدن به منافع ملی و بین‌المللی‌شان شده است، این دو کشور در دستیابی به هدف نهایی خود به‌ویژه در منطقه خاورمیانه دچار واگرایی شوند که نگرانی‌های امنیتی متقابل منطقه‌ای را افزایش خواهد داد. چرا که هدف نهایی ایران تبدیل شدن به هژمونی منطقه‌ای و قدرت برتر منطقه است. از سوی دیگر، با وجود آنکه روسیه با ایران پیوندهای نزدیکی برقرار ساخته است، اما مطالبه اصلی آن موازنه‌سازی منطقه‌ای و توازن بین همه قدرت‌های منطقه است نه قدرت یافتن یک کشور به تنهایی. به همین منظور، نیز در صدد ایجاد اتحادها و ائتلاف‌های چندجانبه با کشورهای دوست و شریک خود بوده است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد ایران و روسیه تا جایی که منافع آن‌ها با یکدیگر تقابلی حیاتی نیابد در مسیر همراهی و همکاری گام برداشته است که نظم امنیتی را به سود خود شکل می‌دهند و در صورتی که هر یک از دوطرف از مسیر خود منحرف شود امکان گرایش طرف مقابل به کشورهای دیگر نیز وجود دارد و سبب پیچیدگی در نظم امنیتی خاورمیانه خواهد شد.

واژگان اصلی: ایران، خاورمیانه، روسیه، نظم امنیتی، واگرایی، همگرایی.

آیا ایران می‌تواند گروه طالبان را همانند محور مقاومت در کنترل خود در بیاورد

فاطمه پاک‌زاد^۱

زهرا پاک‌زاد^۲

با خروج نیروهای ناتو از افغانستان، کشورهای مختلفی از جمله پاکستان، هند، ترکیه و عربستان در رقابت هستند تا نفوذ خود در این کشور را افزایش دهند. توافق نامه‌ای که در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ بین آمریکا و طالبان امضا شد، نقطه عطفی در طولانی‌ترین جنگ آمریکا در افغانستان بود. کشور افغانستان از نظر تاریخی، فرهنگی و سرزمینی پیوندهای بسیاری با کشور ایران دارد. اما با وجود پیوندهای زیاد، چالش‌های گوناگونی در مسیر همگرایی این دو کشور وجود دارد. خروج آمریکا از افغانستان و اینکه حکومت مرکزی همچنان زیر کنترل آمریکا است و از طرف دیگر قدرت گرفتن طالبان در افغانستان چالش‌هایی را برای ایران به وجود خواهد آورد. به‌طور مشخص این مقاله در پی پاسخ این پرسش‌ها است که آیا قدرت گرفتن طالبان برای ایران منافی دارد؟ آیا ایران می‌تواند گروه طالبان را همانند محور مقاومت به کنترل خود در بیاورد؟ آیا طالبان با ایران وارد جنگ می‌شود؟ رویکرد این پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

واژگان اصلی: آمریکا، افغانستان، ایران، طالبان، محور مقاومت.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، zahra_pakzad@yahoo.com

روابط ایران و روسیه در پرتو تحولات نوین منطقه‌ای

واژگن پطروسیان^۱

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون منطقه خاورمیانه، وراقفقاز و آسیای مرکزی تا این اندازه در تأثیر رقابت‌های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک قدرت‌های بین‌المللی قرار نگرفته بود. اختلاف‌های پیش‌رو در منطقه آسیای مرکزی تا منطقه خاورمیانه بین قدرت‌های بین‌المللی سبب خواهد شد تا قدرت‌های منطقه‌ای سیاست‌های خود را بازبینی کنند. یکی از روابطی که هنوز تعریف نهایی نشده است روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه است. فشارهای بین‌المللی اقتصادی و سیاسی اعمال شده از سوی آمریکا و فشارهای امنیتی وارد شده از سوی اسرائیل سبب شده است که سیاست اعمال‌شده از سوی ایران بیشتر جنبه تدافعی و بازدارندگی داشته باشد و اعمال این نوع سیاست خارجی سبب شده است تا روابط بین ایران و روسیه روندهای متفاوتی را داشته باشد، این روابط جنبه‌های مذاکره، همکاری و رقابت دارد. منافع ایران و روسیه در آسیای مرکزی، در دریای خزر، در وراقفقاز، در منطقه خلیج فارس، در سوریه و لبنان هر از چندگاهی به تقابل و هر از چندگاهی هم‌سوی همدیگر ماست. برای تعریف روابط ایران و روسیه باید تعریف جامع و دقیقی از روابط جدید بین‌المللی را که بر اساس روابط تجاری بنا شده است تعریف کرده و باید دانست که دنیا به کدام سو حرکت می‌کند. روابط ایران و روسیه، برای چند دهه آینده را می‌توان براساس ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوانرژی آینده تعریف کرد.

واژگان اصلی: ایران، روسیه، وراقفقاز، آسیای مرکزی، خاورمیانه، دریای خزر.

۱. کارشناس ارشد ترکیه‌شناسی از دانشگاه دولتی ایروان، vazgen03@yahoo.fr

رابطه ایران و روسیه در غرب آسیا

سماء جای‌باش^۱

دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بخش مهمی از تلاش خود را معطوف به سیاست نگاه به شرق با تقویت ائتلاف‌های بین‌المللی با هدف تضعیف فشارهای ساختاری علیه خود کرده است. در دوران پساتحریم نیز جمهوری اسلامی ایران می‌کوشد در جهت تأمین بخشی از هدف‌های سیاسی خود، از تک‌قطبی شدن ساختار نظام بین‌الملل جلوگیری کند.

در این میان اگرچه روابط ایران و روسیه فرازونشیب بسیاری را تجربه کرده است، با این وصف، کشور روسیه به‌عنوان یک قدرت برتر در نظام بین‌الملل که شاخص‌های برتری قدرت خود را در ابعاد مختلف اقتصادی، نفوذ سیاسی و نظامی ارتقا بخشیده است، مورد توجه دستگاه دیپلماسی ایران قرار گرفته است تا با توسعه همکاری با این کانون قدرت بین‌المللی، بخشی از هدف‌ها ملی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأمین شود. یکی از مناطق مورد نظر همکاری با روسیه در سوریه است. ایران و روسیه توانستند تجربه همکاری خوبی از خود در برابر کشورهای مقابل نشان دهند. در این مقاله این پرسش مطرح است که آیا این همکاری تداوم خواهد داشت و امکان تسری به دیگر مناطق را دارد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود. در صورت ارتقای اعتماد متقابل و درک تهدیدهای مشترک امکان تداوم همکاری در سوریه و تسری آن به دیگر مناطق از جمله قفقاز جنوبی وجود دارد.

واژگان اصلی: ائتلاف، ایران، روسیه، سوریه، غرب آسیا، همکاری.

روابط ایران و روسیه در پرتو رقابت هند و چین

علی اکبر جعفری^۱

جواد شفقت‌نیا آباد^۲

با وجود ویژگی‌های تاریخی در میان هند و چین در درگیری‌های مرزی، دو کشور در سطوح مختلف با هدف افزایش قدرت منطقه‌ای و هژمونی بر اقتصاد بین‌الملل، به توسعه راهبردهای نفوذ و ایجاد بازدارندگی علیه یکدیگر پرداخته‌اند. به‌طوری که راهبردهای ژئواکونومیک دو کشور برای دسترسی به حوزه‌های ژئوپلیتیکی اوراسیا، افق‌های جدیدی در روابط ایران و روسیه به‌وجود آورده است. بنابراین سرمایه‌گذاری‌های ارتباطی هند و چین در جهت سیاست‌های اوراسیاگرایی، جایگاه ویژه‌ای به ایران و روسیه در مناسبات بین‌الملل داده است. با در نظر گرفتن این ملاحظات این پرسش مطرح می‌شود که رقابت هند و چین در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی به موازات طرح‌های اتصال منطقه‌ای چه تأثیری بر روابط ایران و روسیه دارد؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد آزمون قرار می‌گیرد، این است که ایران و روسیه در جهت کاهش تحریم‌های اقتصادی آمریکا و جلوگیری از هژمون‌گرایی بازیگران فرامنطقه‌ای، به ایفای نقش مهم مشترک در طرح یک کمربند و یک راه چین و راهروی شمال جنوب هند پرداخته‌اند. با وجود این، هم‌پوشانی منافع و هدف‌های دو کشور ایران و روسیه در رقابت هند و چین، زمینه را برای تحقق الگوی رفتاری همکاری بدون رقابت و افزایش روابط دیپلماتیک فراهم کرده است. رویکرد این پژوهش توصیفی تحلیلی است و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای، اینترنتی، اسناد و مدارک و تمرکز بر دهه اخیر است.

واژگان اصلی: اوراسیا، ایران، چین، رقابت، روابط، روسیه، هند.

۱. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، a.jafari@umz.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، aj40jmfz@gmail.com

سیاست خارجی چین در قبال کشورهای آسیای مرکزی با رویکرد دیپلماسی عمومی

محمدجعفر جوادی ارجمند^۱

محمدباقر مکرمی پور^۲

آسیای مرکزی به عنوان یک منطقه حیاتی برآورد می شود. به تازگی چین ایده قدرت نرم را به عنوان ابزاری مهم در سیاست خارجی خود در این منطقه به کار گرفته است. در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که قدرت نرم چیست و چین چگونه از آن در قبال کشورهای آسیای مرکزی استفاده کرده است؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مطرح می شود که چین در جهت منافع ملی خود و ارائه تصویری مطلوب از خود در میان کشورهای آسیای مرکزی، از دیپلماسی عمومی به عنوان ابزاری مهم در سیاست خارجی استفاده کرده است تا فضایی امن و صلح آمیز ایجاد کند، نیازهای گسترده و فزاینده انرژی خود را تنظیم کند و سلطه دیگر بازیگران قدرتمند در این منطقه را محدود کند. در این چارچوب، این مطالعه با استفاده از منابع کتابخانه ای و رویکرد توصیفی تحلیلی، بر این بحث متمرکز است که قدرت نرم می تواند نقش مهمی در شکل دادن به جذابیت چین در میان دیگر کشورها داشته باشد. برای این هدف، چین ابزارهای مختلفی از منابع قدرت نرم از جمله فرهنگ، زبان، هنر چینی، کمک ها، تجارت و سرمایه گذاری چینی را به کار گرفته است. علاقه چین به استفاده از قدرت نرم از منافع ملی آن ناشی می شود. این منافع ملی شامل تلاش برای ایجاد محیطی صلح آمیز برای رشد اقتصادی آن، تأمین نیازهای روزافزون انرژی آن و همچنین به حداقل رساندن تأثیر دیگر قدرت ها، به ویژه ایالات متحده و روسیه است. چین به طور فزاینده ای از دیپلماسی فرهنگی استفاده کرده و آن را به ابزار اصلی در راهبرد خود در میان کشورهای آسیای مرکزی تبدیل کرده است.

واژگان اصلی: آسیای مرکزی، ابزارهای تجاری، چین، سیاست خارجی، فرهنگ، قدرت نرم.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران، mjjavad@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شاهد

تأثیر راه‌گذر شمال - جنوب و طرح یک کمربند و یک راه بر نظم بین‌المللی

وحید حسین زاده^۱

شیما هادی‌زاده زرنندی^۲

راه‌گذرهای بین‌المللی از نظر سیاست بین‌الملل علاوه بر کارکردهای ژئواکونومیک، نشانگر هدف‌های ژئوپلیتیک و سطح نقش‌آفرینی مبدعان آن در نظام بین‌المللی است. طرح یک کمربند و یک راه هدف‌های اقتصادی بزرگی را دنبال می‌کند، همچنین نمایانگر توسعه سطح اثرگذاری چین از یک بازیگر منطقه‌ای به یک بازیگر جهانی در چند دهه گذشته است. این راهرو که شرق آسیا را به اروپا متصل می‌کند، ممکن است از برخی جهات در رقابت با راهروی شمال جنوب باشد. راه‌گذر شمال - جنوب با محوریت روسیه، ایران و هند طراحی شده است و برتری‌های ناوگان دریایی تجاری چین که آسیای جنوب شرقی و شبه قاره را از مسیر دریا به اروپای غربی و شمالی متصل می‌کند، با چالش جدی روبه‌رو خواهد کرد. در این پژوهش این پرسش مطرح است که طرح یک کمربند و یک راه و شمال - جنوب چه تأثیری بر نظم بین‌المللی خواهند داشت؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که اگرچه ممکن است این دو طرح از نظر اقتصادی در تقابل و رقابت با یکدیگر باشند، اما از نظر سیاست بین‌الملل توسعه هر دو به معنای تأثیرگذاری بیشتر بازیگران اصلی آن‌ها یعنی چین، هند، روسیه و ایران در روندهای منطقه‌ای و جهانی، بزرگ‌تر شدن اقتصاد آنان و کاهش تأثیرگذاری ایالات متحد آمریکا در روندها و نهادهای تجارت بین‌الملل است که سرانجام موجب توسعه چندجانبه‌گرایی خواهد شد. به بیان دیگر، از نظر روابط بین‌الملل این دو راهرو نه تنها رقیب یکدیگر نیستند، بلکه می‌توانند در ابعاد جهانی هم‌سو با یکدیگر به‌عنوان متغیرهای مؤثر بر تغییر نظم بین‌المللی به‌سوی جهان چندقطبی به‌حساب آیند.

واژگان اصلی: چندقطبی، راه‌گذرهای بین‌المللی، قدرت‌های نوپدید، نظم بین‌المللی.

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، v.hosseinzadeh@modares.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس

عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، آسیب‌های احتمالی اقتصادی

وحید حسین‌زاده^۱

زهرا خدابین^۲

امضای موافقت‌نامه موقت ترجیحی میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، زمینه‌ساز عضویت کامل ایران در این اتحادیه محسوب می‌شود. اگرچه عضویت در این اتحادیه برای جمهوری اسلامی ایران از چند بعد مزیت دارد، اما بستن موافقت‌نامه تجارت آزاد با این اتحادیه می‌تواند منشأ آثار منفی اقتصادی برای ایران باشد. این موضوع زمانی اهمیت می‌یابد که جمهوری اسلامی ایران هیچ تجربه‌ای در تجارت آزاد بین‌المللی نداشته باشد. همین مسئله می‌تواند سبب ایجاد تکانه‌های بزرگ اقتصادی در عرصه‌های مختلف برای کشور شود. این پرسش مطرح می‌شود که آسیب‌های محتمل اقتصادی در صورت عضویت کامل ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا چیست؟ فرضیه نگارندگان برای پاسخ به این سوال این است که به دلیل ساختار دستوری در اقتصاد ایران و به دنبال آن شکل نگرفتن فضای رقابتی، شرطی نشدن بنگاه‌های بزرگ اقتصادی به دریافت یارانه‌های دولتی در بخش‌های مختلف و سازگارنبودن تولید با بازارهای بین‌المللی، عضویت کامل ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند موجب رکود تولید در ایران و به دنبال آن تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشور شود. پژوهشگران در قالب سه سناریو این فرضیه را می‌سنجند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد عضویت کامل ایران حتی در خوش‌بینانه‌ترین سناریو نیازمند راهکارهای ویژه‌ای مانند استثناکردن صنایع بزرگ با سهم بالا در تولید ناخالص داخلی، حفظ تعرفه‌های پیشین برای کالاهایی که در کشورهای عضو اتحادیه تولید نشده است و تسهیلات ویژه برای صادرکنندگان است.

واژگان اصلی: اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ایران، تجارت آزاد، موافقت‌نامه ترجیحی.

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، v.hosseinzadeh@modares.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، zahra.khodabin@ut.ac.ir

نظریه کرین بریتون و چگونگی سیطره طالبان بر افغانستان؛

فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی همسایگان

جعفر خاشع^۱

بنا بر نظریه بریتون قانونمندی کلی بر همه دگرگونی‌های سیاسی، از انقلاب‌ها و دیگر گونه‌های انتقال غیردموکراتیک قدرت حاکم است که به دو مرحله قبل و بعد از فروپاشی قدرت مستقر تقسیم‌بندی می‌شود. در دوره استقرار دولت مستقر همه گروه‌ها با تمرکز و هماهنگی برای رسیدن به هدف واحد که براندازی است مبارزه می‌کنند و بعد از سقوط دولت مستقر به دلیل الزام‌های سیاسی دوران گذار و حضور گروه‌های مختلف در صف مبارزان، دوران میانه‌روی شکل می‌گیرد که عمر آن دوره بسیار کوتاه است. دوران میانه‌روی با درگیری درونی گروه‌ها، پراکندگی، سهم‌خواهی و سرانجام سیطره یک گروه بر دیگران تمام‌شده و وارد دوره خفقان و وحشت می‌شود. طالبان هم اکنون در افغانستان در مرحله ابتدایی دوران میانه‌روی به دلیل الزام‌های استقرار خویش و جلب حمایت حداکثری داخلی و خارجی است. پس از این دوره کوتاه در صورت استقرار طالبان بر افغانستان و به دست آوردن رسمیت بین‌المللی شاهد سخت‌گیری‌های آن علیه گروه‌های معارض و ناهم‌سوی داخلی خواهیم بود که این دوره بسته به توانایی و منابع قدرت دوطرف می‌تواند کوتاه یا بلندمدت باشد. با توجه به شرایط موجود در افغانستان و منافع متعارض کنشگران منطقه‌ای به نظر نمی‌رسد طالبان در کوتاه‌مدت بتواند همه مخالفان خود را کنار بزند و قدرت خود را تثبیت کند. بنابراین شاهد دوره طولانی از نزاع داخلی در افغانستان خواهیم بود. این پرسش مطرح است که دوره نزاع در افغانستان چه تهدیدها و فرصت‌هایی پیش‌روی همسایگان به‌ویژه ایران و روسیه در بر خواهد داشت؟ در پاسخ این فرضیه مطرح است که ادامه تنش‌های داخلی در افغانستان بیشترین زیان امنیتی را متوجه ایران و روسیه خواهد کرد، ولی مسیرهای رقیب حمل و نقل، ایران را ناامن کرده و مزیت نسبی مسیرهای ایران را افزایش خواهد داد. رویکرد این مقاله توصیفی تحلیلی است.

واژگان اصلی: افغانستان، ایران، روسیه، طالبان، کرین بریتون.

۱. دانشجوی دکترای مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، jafarkhashe@gmail.com

بررسی ماهیت جغرافیایی بحران قفقاز و آنچه از جغرافیا و نقشه باید آموخت

سعیدرضا خلخالی^۱

جغرافیا و نقشه در طول تاریخ پیوندی ناگسستنی با سرنوشت انسان‌ها داشته است. در حقیقت جغرافیا صحنه‌ای است که تاریخ در آن شکل می‌گیرد. بنابراین دانستن اینکه چه قدرتی از نقشه جغرافیایی نشأت می‌گیرد و چه سیاستی را بر مبنای آن باید پایه‌گذاری کرد از اصول بنیادین در روابط بین‌الملل است. چرا که جغرافیا همیشه درباره محدودیت‌های تصمیم‌گیری تأکید دارد. منطقه قفقاز نیز به دلایل جغرافیایی، تابع همین اصول است، زیرا جغرافیا و نقشه، بر سرنوشت این منطقه تأثیری بنیادین داشته و بنا به دلایل متعددی، اهمیت راهبردی دارد. قفقاز از گذشته‌های دور، بخشی از راهبرد روسیه تزاری، اتحاد شوروی و روسیه کنونی است. همچنین با پایان جنگ سرد، ناتو و غرب نیز علاقه‌مند به حضور در این منطقه هستند. زیرا قفقاز نه تنها نقطه اتصال اوراسیاست، بلکه سرشار از منابع طبیعی است و تنوع خطوط انتقال کالا و انرژی برای همه بازیگران اهمیت فراوانی دارد. به همین دلیل، در دوران‌های مختلف شاهد بحران‌های متعددی بوده است. در این پژوهش با بهره‌گیری از دو نظریه کلاسیک جغرافیایی: نظریه هارتلند مکیندر و نظریه ریملند اسپایکمن ماهیت جغرافیایی بحران قفقاز را بررسی و نقش هریک از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این بحران را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد جغرافیا به وضوح، بخش اصلی چرایی و چگونگی مسائل این منطقه را رقم می‌زند و نشان می‌دهد که چگونه سرنوشت کشورها و مناطق به جغرافیا و نقشه گره خورده است.

واژگان اصلی: جغرافیا، قفقاز، نظریه ریملند، نظریه هارتلند، نقشه.

۱. دکترای جغرافیای سیاسی و پژوهشگر مطالعات راهبردی، khalkhali87@gmail.com

پنداره ایران در اندرونی ماتریوشکا

محسن خلیلی^۱

روزگاران چند است که ایرانیان را با روسیان، ربط، تماس، رابطه، سروکار و مراوده بوده است؛ اما پیوستگی، پیوند، وابستگی، دل‌بستگی و وفاق نبوده است. تاریخ روابط ایران و روسیه در روزگار معاصر، آکنده از کین و بدسگالی و بدگمانی است که گه‌گاه به جنایت و خیانت نیز آغشته شده است. خلوت و جلوت سیاست خارجی روس‌ها، نشان‌گر چندلایه‌ای بودن کردار همسایه شمالی ایران است؛ تا جایی که می‌توان از ریخت‌گرفتن «ماتریوشکا» در رفتار روس‌ها نسبت به دیگران، سخن گفت. خلوت سیاست خارجی روسیه در مواجهه با ایران (چه در روزگار تزاران سفید و چه در زمانه تزاران سرخ) چنین جلوه کرده بود که روسیان، ایرانیان را سپر می‌دانستند و همراه می‌خواندند و پیرو می‌خواستند و ضربه‌گیر می‌شمردند که نباید یکه‌تازی و گردن‌فرازی و پیشتازی کند. شگفت‌آور نیز نیست که از روزگار بازی بزرگ تاکنون، روس‌ها که هم سفید و تزاری بوده‌اند و هم سرخ و انقلابی شده‌اند و همینک، به ویژگی‌های تزارگونه پیشانقلابی بازگشته‌اند، رفتاری همسان با ایرانیان داشته‌اند و هیچ‌گاه، ایران را نه هنباز دانسته‌اند و نه هم‌آورد دیده‌اند؛ بلکه همراه و فرمان‌بر خواسته‌اند. پرسش نوشتار، جست‌وجوی ویژگی‌ها، درون‌مایه‌ها و لایه‌لایه‌های ماتریوشکای سیاست خارجی روسیان در رویارویی با ایران در روزگار کنونی است. ماتریوشکای سیاست خارجی روسیه، دربرگیرنده چهار «ماتریوشا» در حوزه‌های همسایگی، منطقه، فرامنطقه و بین‌المللی است که همه در درون یک «ماتریونا» پنهان شده‌اند: ایران برای روسیه، کشوری دست دوم است.

واژگان اصلی: ایران، روسیه، سیاست خارجی، ماتریوشکا.

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، khalilim@um.ac.ir

ثبات‌سازی راهبردی و همکاری‌های ضدتروریستی ایران و روسیه در دوره خروج آمریکا از افغانستان

امیر عباسی خوشکار^۱

حضور نزدیک به دو دهه‌ای ناتو در افغانستان به مشکل گسل‌های امنیتی و دولت ورشکسته در این کشور پایان نداد و با خروج نیروهای آمریکا از افغانستان و تسلط طالبان بر این کشور فصل جدیدی از تغییر در محیط امنیتی منطقه غرب آسیا و نظم‌های امنیتی در مناطق مجاور آغاز شده است. همکاری‌های امنیتی ایران و روسیه در بحران‌های منطقه غرب آسیا و همگرایی‌های مشترک امنیتی این دو بازیگر ثبات‌ساز در جنگ داخلی سوریه نشان‌دهنده وجود ظرفیت‌های گسترده همکاری‌های ضدتروریستی و ثبات‌سازی راهبردی بین این دو کشور است. در این پژوهش با تأکید بر ظرفیت فوق‌نشان داده خواهد شد که ایران و روسیه می‌توانند در قالب طرح ابداعی مبتنی بر «ثبات‌سازی چندجانبه درون منطقه‌ای» که با ابتکار این دو کشور می‌تواند آغاز شود در سه فاز مدیریت نیروهای گریز از مرکز ضدثبات‌ساز، تقویت گفت‌وگوهای بین‌افغانی و مشارکت کشورهای منطقه در معماری امنیتی و اقتصادی آینده افغانستان به‌صورت ابتکاری و پیشرو در تعامل و همگرایی با یکدیگر به این طرح واقعیت میدانی ببخشند. روش گردآوری داده‌ها در این مقاله اسنادی است و از روش توصیفی تبیینی برای بهره‌گیری از داده‌ها برای رسیدن به هدف‌ها پژوهش بهره برده‌ایم.

واژگان اصلی: تقویت پیوندهای ژئوپلیتیک، ثبات‌سازی راهبردی، چندجانبه‌گرایی، درون‌منطقه‌ای، همکاری‌های ضدتروریستی.

بررسی جایگاه ایران و روسیه در آینده امنیت منطقه‌ای آسیای مرکزی

محمد ابراهیم داریوش‌فر^۱

پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۹، جمهوری‌های نو تأسیس از گوشه و کنار قلمرو آن در اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی سر بر آوردند. این کشورهای نوپدید وارث مشکلات و تعارض‌های سرزمینی و بین مرزی متعددی بودند که نتیجه سال‌ها سیاست‌های اداری و حکومتی شوروی بود. خیلی از این تعارض‌های قومی و سرزمینی رنگ و بوی امنیتی به خود گرفته و سبب بروز درگیری‌ها و تنش‌های فراوان در مناطقی همچون آسیای مرکزی شد. هدف ما در این پژوهش ایجاد تصویری روشن از ماهیت تعارض‌ها و مشکلات امنیتی آسیای مرکزی و تدوین سناریوی مطلوب در مورد همکاری جمهوری اسلامی ایران و روسیه در حفظ صلح و ثبات منطقه است. در این زمینه این پرسش مطرح می‌شود که دو کشور ایران و روسیه در چارچوب تعامل سازنده چه نقشی در حفظ ثبات و امنیت منطقه آسیای مرکزی می‌توانند داشته باشند؟ در پاسخ این فرضیه مطرح است که ایران با داشتن پیوندهای فرهنگی، زبانی و مذهبی با کشورهای آسیای مرکزی به‌ویژه تاجیکستان و نیز فدراسیون روسیه با داشتن پیشینه تاریخی و همچنین نفوذ چشمگیر سیاسی و نظامی در این منطقه، مهم‌ترین کنشگران فرامنطقه‌ای برای ایجاد یک سیستم امنیت منطقه‌ای خواهند بود. در این پژوهش می‌خواهیم با روش کیفی تفسیری و با هدف آینده‌پژوهی این موضوع بررسی کنیم.

واژگان اصلی: امنیت منطقه‌ای، ایران، آسیای مرکزی، تعامل سازنده، روسیه.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، m.dariushfar@mail.sbu.ac.ir

راهبرد نظامی فدراسیون روسیه در سوریه در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰

علیرضا زمانیان^۱

محمدرضا دهشیری^۲

در این پژوهش می‌خواهیم راهبرد نظامی امنیتی فدراسیون روسیه در سه سطح هوایی، زمینی و دریایی را در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ در بحران سوریه بررسی کنیم. با وقوع جنبش‌های اعتراض‌آمیز در جهان عرب به سرعت این اعتراض‌ها به سوریه تسری یافت و اعتراض‌ها در این کشور به یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های منطقه‌ای با تأثیرگذاری و دخالت بسیاری از بازیگران بین‌المللی شد. از آنجا که مداخله تأثیرگذار و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای از مهم‌ترین ویژگی‌های قدرت‌های بزرگ است، فدراسیون روسیه به عنوان یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای از کنشگران فعال در این منازعه بوده است. در کنار بررسی ابعاد مختلف روابط بین‌المللی بحران سوریه، بررسی راهبرد هوایی، زمینی و دریایی قدرت‌های بزرگ از مهم‌ترین موضوع‌های و حوزه‌های مطالعاتی علوم راهبردی محسوب می‌شود. از سویی، با توجه به این مسئله که همکاری‌های شرقی در سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران بسیار اهمیت دارد و سطح روابط جمهوری اسلامی ایران با فدراسیون روسیه «مشارکت راهبردی» در بعضی از حوزه‌ها از جمله بحران سوریه است، بنابراین این مسئله مطرح می‌شود که راهبرد نظامی فدراسیون روسیه به عنوان یکی از قدرت‌های مهم و تأثیرگذار در حوزه‌های هوا، دریا و زمین در بحران سوریه چه ویژگی‌ها و تاکتیک‌هایی داشته است؟ روش گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از سایت‌های معتبر اینترنتی و روش تحلیل داده‌ها به شیوه توصیفی - تحلیلی است.

واژگان اصلی: دریایی، راهبرد نظامی، روسیه، زمینی، سوریه، هوایی.

۱. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، مجتمع مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، (نویسنده مسئول)،

politics1648@gmail.com

۲. استاد گروه آموزشی روابط بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه،

mohammadreza-dehshiri@yahoo.com

انحصار دیجیتال در روابط ایران و روسیه

معصومه رشاد^۱

ساینا بازرگان^۲

توسعه عقلانیت فرهنگی و استقلال جهان زیست مستلزم رشد ارتباط است. مطالعه دیگر علوم می‌تواند در تفکر نوردی چندجانبه پدیده‌ها مفید باشد. رسانه، پنجره‌ای مناسب برای فرایند ایجاد و گسترش یک موضوع اجتماعی و سیاسی ارائه می‌دهد. در جست‌وجوی چگونگی تأثیر رسانه‌ها در روابط ایران و روسیه در بستر مواضع هم‌سو در جایگاه ابزار و بازیگری فعال در تصمیم‌سازی سیاست خارجی با روش توصیفی تحلیلی به ارزیابی عملکرد بنیادهای تحت تأثیر فلسفه دزرژینسکی از بنیان‌گذاران بخش کمیساریای سازمان امنیت شوروی، مفهوم انسان‌های توده‌ای در چشم‌انداز اشپنگلر، بررسی جنگ روانی و مهندسی اجتماعی در مطالعات جان کلمن، آنالیز تأثیر الگوریتم‌ها در نظریه‌های نوح هراری، دیدگاه چامسکی و رفتارشناسی می‌پردازیم. مغز قوی‌ترین گیرنده و ارتعاش انسان ناپایدار است و تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اهمیت شناخت سازوکار هدایت افکار عمومی در تأثیر آنهاست، جریان پایدار اطلاعات می‌تواند مانعی برای امنیت ملی یا اولویت بخشیدن به موضوعی از نظر امنیت ملی باشد یا به تغییر موازنه قدرت بین دولت، نخبگان و جامعه مدنی منجر شود، به تقویت بی‌تفاوتی سیاسی دامن زند یا در قالب تعیین دستور کار به تصمیم‌گیری یا اعمال محدودیت‌های دولتی نمود یابد.

واژگان اصلی: کدهای رفتاری، مانیپولیشن، کیچ، هویت‌روس، سیاست خارجی ایران

۱. هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، m.reshad2325@gmail.com

۲. دانشجوی تحصیلات تکمیلی روابط بین‌الملل، sainbz.law@gmail.com

طرح «ب» آمریکا و مهندسی چالش‌های منطقه در افغانستان پس خروج

معصومه رشاد^۱

ساینا بازرگان^۲

افغانستان - حائل میان ایران و هند، کشوری که به «سرنوشت بد» محکوم است، میان سه حوزه امنیتی قرار گرفته است و ارتباط‌دهنده این مناطق در قلب اوراسیاست. حوزه جنوب آسیا و وجود تعارض منافع دهلی نو و اسلام‌آباد با رویکرد هراس افکنی در شمال نفوذ روسیه که نگران مسئله امنیت است در تقابل با آمریکا که خالق بحران در راستای مدیریت ناامنی و کنترل ایران، چین و طرح یک کمربند و یک راه و روسیه با هدف ایجاد تغییرهای ژئوپلیتیکی در منطقه است. در غرب، ایران در مرکزیت قوس بحران خاورمیانه در تضاد با سعودی حامی مالی جریان‌های تندرو در منطقه و اسرائیل.

پدیدآمدن طالبان، طرحی امنیتی با هژمونی هوشمندانه‌تر از پیش، جایگزین ناتو به موازات تغییر شکل حضور آمریکا و در مقام اجرای طرح ب به آنتروپی در منطقه منجر شد که با شیوه خشونت اقدام به امتیازگیری می‌کند. برای تحلیل سناریوهای محتمل پیش‌رو، تجزیه افغانستان به پشتون و خراسان، ترکیبی از طالبان و عبدالله عبدالله توجه به ظرفیت همکاری آن‌ها از نظر آمریکا و مشارکت طالب با جریان لیبرال دموکرات‌ها بدون اشرف غنی، تغییر قانون اساسی و بی‌طرف‌ساختن افغانستان، با در نظر گرفتن احتمال هماهنگی به واسطه سازوکارهای سازمان پیمان امنیت جمعی، سازمان همکاری شانگهای و شورای امنیت ملی را ارزیابی می‌کنیم. در این نوشتار از چارچوب نظریه واقع‌گرایی با رویکرد واقع‌گرایی تدافعی و تهاجمی و رویکرد توصیفی تحلیلی در بیان مباحث استفاده می‌کنیم. از آنجا که مسئله‌شناسی پویا در پرتو آینده‌پژوهی به کنترل بحران‌های موجود کمک خواهد کرد، چالش‌های بازیگران منطقه و منافع ملی آن‌ها در پس خروج، مسئله حل‌نشده خط دیورند طراحی شده توسط بریتانیا، دیده‌بانی راهبرد جنگ آب و معادله رسانه‌ها در حوزه عمومی هابرماسی را تحلیل می‌کنیم.

واژگان اصلی: آسیای مرکزی، امنیت ملی، بازی روسیه، پاکستان، خلق بحران، روانشناسی، طالبان.

۱. هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، m.reshad2325@gmail.com

۲. دانشجوی تحصیلات تکمیلی روابط بین‌الملل، sainbz.law@gmail.com

خطای اسنادی تزارها در مقابل یانکی‌ها: مطالعه موردی قفقاز

دانیال رضاپور^۱

صدیقه آذین^۲

منطقه قفقاز نسبت به چند سال گذشته کمتر مورد توجه دانشمندان و تصمیم‌گیرندگان حوزه اوراسیا قرار گرفته است، زیرا مطالعات امنیتی این منطقه در حال حاضر تحت تأثیر درگیری مسلحانه در شرق اوکراین و آشفتگی‌های خاورمیانه است. با این حال، قفقاز جنوبی به دلایل داخلی و خارجی، دچار شکنندگی ژئوپلیتیکی شدیدی شده و از آنجا که تشدید رقابت میان تزارها (روسیه) و یانکی‌ها (ایالات متحد) پس از جنگ سرد به بالاترین حد خود رسیده است، فرایند درگیری و همکاری آن‌ها در این بخش حساس اوراسیا درخور توجه است. بنابراین ضمن بررسی روابط دوجانبه مسکو و واشینگتن در قفقاز، می‌کوشیم وضعیت کنونی این منطقه و منطق همکاری و رقابت این دو ابرقدرت در چند سال گذشته را تبیین و تشریح کنیم. بر این اساس می‌خواهیم علت‌ها و عوامل رقابت و همکاری محدود آمریکا و روسیه در قفقاز را تبیین کنیم؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح می‌شود که پندارهای مختلف از شیوه به‌دست‌آوردن منافع راهبردی، امنیتی و نظامی سبب اختلاف روسیه و آمریکا در منطقه قفقاز شده است؛ همچنین این پژوهش بر همکاری‌های ایالات متحد و روسیه در رابطه با فرایندهای حل و فصل مناقشه‌های قومی و سیاسی در آبخازیا، اوستیای جنوبی و قره‌باغ با همکاری ایران متمرکز است. برای بررسی این فرضیه‌ها با تکیه بر نظریه خطای اسنادی و با رویکرد توصیفی تحلیلی از داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای، سایت‌ها، مقاله‌ها و منابع اینترنتی استفاده شده است.

واژگان اصلی: آمریکا، خطای اسنادی، رقابت، روسیه، قفقاز، همکاری.

۱. پژوهشگر ارشد حوزه اوراسیا و دکتری روابط بین‌الملل، danyalrezapoor@gmail.com

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

بررسی نقش کانال‌های تخصصی تلگرامی فارسی در روابط ایران و روسیه

الهه کریمی ریایی^۱

رسانه‌ها در دنیای کنونی نقش مهمی دارند و گسترش فضای مجازی سبب شده است تا اهمیت رسانه‌ها روزافزون شود. یکی از شبکه‌های اجتماعی بسیار پرکاربرد در ایران شبکه تلگرام است که در گروه‌های مختلف سنی و از اقشار گوناگون مردم مخاطبان زیادی دارد. در چند سال اخیر گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی زیادی به وجود آمده‌اند که در حوزه‌های تخصصی محتوا تولید می‌کنند. بررسی موضوعی کانال‌های تلگرامی بیانگر آن است که تعداد قابل توجهی از آن‌ها مسائل مربوط به روابط ایران و روسیه را رصد می‌کنند و آخرین اخبار و اطلاعات مربوط به منطقه را در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهند. نکته درخور توجه این است که بیشتر اعضای این کانال‌ها را کارشناسان منطقه، استادان دانشگاه، پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی و کارشناسان نهادهای دولتی مرتبط با مسائل منطقه تشکیل می‌دهند. این مسئله نشان‌دهنده اهمیت این کانال‌ها و نقش مهمی است که آن‌ها در تبادل داده‌های مربوط به روابط دو کشور دارند. در این نوشتار کانال‌های تلگرامی که به زبان فارسی در حوزه روابط ایران و روسیه فعال هستند از نظر محتوایی بررسی می‌کنیم. چون تعداد این کانال‌ها زیاد است، در این پژوهش فقط ده کانالی که بیشترین عضو را دارند، ارزیابی می‌شوند.

واژگان اصلی: رسانه، روابط ایران و روسیه، شبکه تلگرام، فضای مجازی.

۱. استادیار گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، ekarimi@ut.ac.ir

ایران و روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی در پرتو نظریه نو منطقه گرایی

سمیه زنگنه^۱

با توجه به نزدیکی جغرافیایی و اشتراک‌های موضوعی در موضوع‌های راهبردی و غیرراهبردی احتمال همگرایی منطقه‌ای بین ایران و روسیه محتمل است. در منطقه‌گرایی بین ایران و روسیه، عامل تاریخی نقشی تعیین‌کننده ندارد، بلکه نقش تضعیف‌کننده دارد. از سویی ذهنیت تاریخی مثبتی به یکدیگر ندارند. جهت تجارت خارجی دو کشور مکمل نیست و اقتصاد مکملی ندارند. ایران و روسیه زمینه ائتلاف راهبردی ندارند، زیرا روسیه نیازی به ایران ندارد، بلکه عامل مزاحم است. ایران و روسیه پیشینه مثبت همکاری منطقه‌ای ندارند مانند رژیم حقوقی دریای خزر و تحولات قفقاز. با توجه به این عوامل مهم، با اینکه در حد نظری احتمال همکاری ایران و روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی وجود دارد در این مقاله می‌خواهیم با روش تحلیلی تبیینی ظرفیت‌های همکاری دو کشور را در قالب این اتحادیه بررسی کنیم. در این نوشتار این پرسش مطرح است که عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی چه تأثیری بر همگرایی منطقه‌ای بین ایران و روسیه می‌گذارد؟ فرضیه نویسنده این است که در چارچوب نظریه نو منطقه گرایی، تأثیر عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی بر همگرایی منطقه‌ای بین ایران و روسیه آشکارا منفی است.

واژگان اصلی: اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، همگرایی، واگرایی، نو منطقه گرایی

زمینه‌ها و ظرفیت‌های گسترش همکاری ایران و روسیه در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی

بهاره سازمند^۱

فرهاد خدامرادی^۲

در دوره‌ای از روابط بین‌الملل هستیم که همگرایی و در پی آن وابستگی متقابل اقتصادی از ویژگی‌های برجسته و مهم آن است؛ مهم از آن نظر که کشورها برای جبران کمبود منابع و همچنین بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های موجود میان خود، تغییر از یک‌جانبه‌گرایی و دوجانبه‌گرایی به همگرایی منطقه‌ای را دنبال می‌کنند. از این‌رو، ایران و روسیه به‌عنوان دو کشور مهم و تأثیرگذار اوراسیایی، برای بهبود وضعیت دو کشور در حوزه‌های اقتصادی، می‌توانند از همه‌زمینه‌های همکاری موجود میان دو کشور استفاده کنند و در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، از ظرفیت‌های موجود برای گسترش و ژرفا بخشیدن به روابط خود بهره ببرند. از یک‌سو روابط دوجانبه ایران و روسیه که هم‌اکنون در چارچوب همکاری‌های سیاسی نظامی، به‌ویژه همکاری‌های هسته‌ای و منطقه‌ای آشکار است و از سوی دیگر، تهدیدهای مشترک برای دو کشور از سوی دیگر کشورها در عرصه رقابت‌های تنگاتنگ جهانی و به‌ویژه منطقه‌ای که روزبه‌روز هم پیچیده‌تر می‌شود، می‌توانند به عنوان زمینه‌هایی برای همکاری و بهره‌بردن از ظرفیت‌های موجود در اتحادیه اقتصادی اوراسیایی مورد تأکید باشند. بنابراین این پرسش مطرح است که دو کشور ایران و روسیه چگونه می‌توانند از ظرفیت‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیایی برای گسترش روابط خود استفاده کنند؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مطرح می‌شود، این است که ظرفیت و منابع اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیایی از یک‌سو و موقعیت ژئوپلیتیکی کشورهای عضو اتحادیه از سوی دیگر، می‌تواند زمینه ایجاد قطب اقتصادی منسجم همراه با سیاست‌های هم‌سو و مشترک را فراهم سازد و بیش از پیش به تقویت روابط ایران و روسیه در حوزه اقتصادی و اثرگذاری بر آینده تحولات منطقه‌ای کمک کند.

روش پژوهش حاضر برای بررسی فرضیه، روش ترکیبی است و مقاله از سه بحث اصلی تشکیل می‌شود: در بحث نخست زمینه‌های گسترش همکاری ایران و روسیه بررسی می‌شود. در بحث دوم اتحادیه اقتصادی اوراسیایی و در بحث سوم ظرفیت‌های اتحادیه اقتصادی اوراسیایی برای گسترش روابط ایران و روسیه بررسی می‌شود.

واژگان اصلی: اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، ایران، روسیه، همگرایی اقتصادی.

۱. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، bsazmand@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

توازن نظامی جدید روسیه و ناتو؛ تأثیر آن بر همکاری‌های

جمهوری اسلامی ایران و روسیه

محسن سلیمانی‌پور^۱

توازن نظامی بین روسیه و ناتو از مسائلی است که در سال‌های پساجنگ سرد کمتر به آن توجه شده است. در حالی که در سال‌های اخیر برخی از مناطق اروپا دوباره به کانون نگرانی‌های شدید و حتی زنگ خطر تبدیل شده‌اند. از نظر ناتو روسیه تهدیدی جدی برای امنیت اروپا - آتلانتیک محسوب می‌شود. مقام‌های این بلوک نظامی برای اثبات این ادراک به دو مورد برنامه اصلاح و نوسازی نظامی روسیه در سال ۲۰۰۸ و سیاست تهاجمی‌تر و ضدغرب کرملین سال‌های اخیر روسیه در برابر اروپا اشاره می‌کنند. بیشتر اندیشمندان و سیاست‌مداران غربی، روسیه را بازیگری نوامپریالیست و توسعه‌طلب تصور می‌کنند که به دنبال برهم‌زدن امنیت اروپا و تقسیم قاره‌ای است. در برابر روسیه هم با اشاره به پیشینه تاریخی ناتو، مانند رویداد بالکان در سال ۱۹۹۰ و مداخله نظامی ناتو در لیبی در سال ۲۰۱۱، ناتو را تهدید جدی امنیتی برای خود و منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و مانعی برای همکاری‌هایش با ایران به حساب می‌آورد. از سویی، نزدیک‌شدن زیرساخت‌های نظامی غربی به مناطق پیرامونی ایران نیز از عوامل نگران‌کننده و از تهدیدهای مهم علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. گسترش ناتو به شرق در همسایگی مشترک ایران و روسیه تا اندازه‌ای نمود یافت که می‌توانست به نزدیکی و همکاری بیشتر دو کشور ایران و روسیه بینجامد. ممنوعیت حضور نیروهای نظامی خارجی در دریای خزر، جلوه‌ای از این ادراک‌های مشترک از تهدید بوده است. در این نوشتار توازن نظامی جدید روسیه و ناتو و پیامدهای آن بر همکاری‌های ایران و روسیه در مناطق پیرامونی را بررسی می‌کنیم. رویکرد نگارش مقاله با توجه به ماهیتش تحلیلی-توصیفی است.

واژگان اصلی: ناتو، اروپا، روسیه، امنیت، ایران، آسیای مرکزی و قفقاز.

دلایل همکاری ایران و روسیه در غرب آسیا

عاطفه شهسواری^۱

یوسف صابر^۲

روابط ایران و روسیه از زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ و با افزایش تنش‌ها در میان تهران و واشینگتن تقویت شد. بی‌تردید ایران به روسیه به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین متحدان خود نگاه می‌کند. روسیه یک بازیگر اصلی در تلاش‌های ایران برای مبارزه با آرمان‌های ایالات متحد در خاورمیانه است و از حمایت گسترده‌ای در طیف سیاسی تهران برخوردار است. گفتنی است روسیه و ایران در مورد موضوع‌های مختلف راهبردی در منطقه دیدگاه‌های یکسانی دارند و این به‌عنوان انگیزه‌ای قوی برای گسترش مشارکت نظامی آن با روس‌ها محسوب می‌شود و دو کشور به‌عنوان متحد به‌هم نگاه می‌کنند. روشن است که ایران و روسیه با هدف‌ها و سیاست‌های متفاوت در خاورمیانه حضور دارند، اما شرایط سبب شده است آن‌ها به ائتلاف جدی‌تر نزدیک شوند.

در این نوشتار با استفاده از روش کیفی نوع توصیفی تحلیلی به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که دلایل همکاری ایران و روسیه در غرب آسیا چیست؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح می‌شود که روسیه به‌عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیک حفظ برای حفظ موقعیت خود و برای مقابله با سیاست‌های ایالات متحد آمریکا و اسرائیل به‌عنوان دشمنان ایران در منطقه برای نزدیکی بیشتر با ایران کوشیده است.

واژگان اصلی: غرب آسیا، روسیه، ایران، همکاری، آمریکا

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، at.shahsavari@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی تهران (نویسنده مسئول)، you3efsaber@yahoo.com

تأثیر تحریم‌های متقابل اتحادیه اروپا و روسیه بر روابط این کشور با ایران

علی صباغیان^۱

روسیه یک کشور بزرگ اروپایی است که در دوران بعد از جنگ سرد تلاش کرده است روابط خود با اتحادیه اروپا را گسترش دهد. در این چارچوب دو طرف در سال ۱۹۹۴ پیمان مشارکت راهبردی را با یکدیگر بستند که در چهار فضای مشترک شامل فضای مشترک اقتصادی، فضای مشترک آزادی امنیت و عدالت، فضای مشترک امنیت خارجی و فضای مشترک پژوهش، آموزش و فرهنگ به تنظیم روابط دو طرف می‌پرداخت. نزدیکی جغرافیایی و مجموعه‌ای از عوامل دیگر سبب شده است که در اوایل دهه دوم قرن بیستم و یکم اتحادیه اروپا به بزرگ‌ترین شریک تجاری روسیه تبدیل شود. حجم مبادلات تجاری بین روسیه و اتحادیه در سال ۲۰۱۱ بر ۳۰۸ میلیارد یورو رسید که ۱۰۸،۴ میلیارد یورو آن صادرات اتحادیه اروپا به روسیه و ۱۹۹/۵ میلیارد یورو واردات اتحادیه اروپا از روسیه بوده است. با وجود همکاری‌های گسترده که در حوزه‌های اقتصادی و انرژی در میان روسیه و اتحادیه اروپا در دوران بعد از جنگ سرد وجود داشته است، اما واقعیت این است که روابط آن‌ها در طول این سال‌ها همواره تحت تأثیر مسائل امنیتی قرار داشته است که ریشه در دوران جنگ سرد و رقابت‌های ژئوپلیتیکی دارد. مسائلی چون گسترش ناتو به شرق، انقلاب‌های رنگی در جمهوری‌های پیشین شوروی، منازعه‌های منطقه‌ای و جنگ گرجستان، اگرچه موجب فراز و نشیب‌هایی در این روابط شده است، اما بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین و جدایی کریمه از اوکراین و پیوسته‌سازی آن به خاک روسیه مهم‌ترین تحولاتی است که روابط دو طرف را وارد فضایی جدید کرده است. ابزار تعیین‌کننده در این عرصه تحریم‌ها بوده است که به‌صورت دوجانبه از سوی اتحادیه اروپا و روسیه علیه یکدیگر اعمال شده است. از یک‌سو اتحادیه اروپا همراه با تعداد دیگری از کشورهای غربی تحریم‌های همچون مسدود کردن دارایی‌های افراد و شرکت‌های روسی، ایجاد محدودیت ویزا برای شهروندان روسیه و نیز تحریم‌های بخشی علیه بخش‌های مالی، انرژی و دفاعی روسیه اعمال کرده است. در مقابل روسیه نیز تحریم‌هایی بر سر راه واردات محصولات کشاورزی و مواد غذایی از اتحادیه اروپا وضع کرده است. در این وضعیت این پرسش مطرح است که این تحریم‌ها چگونه بر رویکرد روسیه در زمینه همکاری‌های اقتصادی و تجاری خارجی تأثیر گذاشته و چه فضایی می‌تواند برای گسترش روابط روسیه با ایران در این زمینه ایجاد کند؟ این مقاله این پرسش را مورد بررسی قرار داده است.

واژگان اصلی: اتحادیه اروپا، ایران، تحریم، روسیه، همکاری تجاری.

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، sabbaghian@ut.ac.ir

الگوی همکاری روسی - ترکی در بحران سال ۲۰۲۰ قره‌باغ و تأثیر آن بر آینده روابط

جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در قفقاز جنوبی

محمد صداقت^۱

جنگ سال ۲۰۲۰ قره‌باغ پس از شش هفته نبرد مداوم با پیمان صلح بین دو طرف آذری و ارمنی و بازگشت حاکمیت باکو بر بیشتر مناطق مورد مناقشه پایان یافت. بازیگران نبرد اخیر را به مانند همهٔ منازعه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌توان به دو بخش برنده و بازنده تقسیم کرد. جمهوری آذربایجان با دستیابی به سرزمین‌های از دست رفته در دههٔ ۱۹۹۰ بی‌تردید برندهٔ اصلی نبرد مستقیم با ارمنستان بود. در میان دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز روسیه با نظارت بر روند آتش‌بس و استقرار نیروی نظامی در مناطق مورد مناقشه و ترکیه با تثبیت نقش خود در میان جامعهٔ آذری (به‌عنوان پشتیبان اصلی جمهوری آذربایجان) و برقراری دالان زنگزور به نوعی سودبران اصلی این نبرد ۴۴ روزه بودند. بحران اخیر قره‌باغ علاوه بر تغییر نقشهٔ سیاسی و ژئوپلیتیکی منطقهٔ قفقاز جنوبی، الگوی جدیدی از همکاری برای مدیریت مسائل منطقه‌ای را به‌وجود آورد. این الگو با مدیریت روسیه و ترکیه مبتنی بر اولویت و برتری همکاری‌های دوجانبه بر سازوکارهای چندجانبه است. آنکارا و مسکو با داشتن تجربهٔ همکاری در جنگ داخلی سوریه و لیبی به‌دنبال اجرایی کردن این الگو در قفقاز جنوبی بودند. از این‌رو پرسش اصلی در این است که اجرایی‌شدن الگوی همکاری روسی - ترکی در مناقشهٔ اخیر قره‌باغ چه تأثیری بر روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در قفقاز جنوبی خواهد داشت؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه بررسی می‌شود که اجرایی‌شدن الگوی همکاری روسی ترکی در بحران سال ۲۰۲۰ قره‌باغ سبب توسعهٔ تعامل و همراهی سیاست‌های روسیه و ترکیه در قفقاز جنوبی خواهد شد و از اهمیت نقش و جایگاه ایران در سیاست‌های منطقه‌ای روسیه در قفقاز جنوبی خواهد کاست.

واژگان اصلی: قفقاز جنوبی، روسیه، ترکیه، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، گرایش آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران، ms.iran1984@gmail.com

نقش آرتامونوف لئونید کنستانتینوویچ تمساح نیل

دیپلمات روسیه در روابط ایران و روسیه

منیژه صدری^۱

رستم حاجی‌اف توفیق‌اوغلی^۲

آرتامونوف در ۱۸۵۹ / ۱۲۷۵ در ایالت خرسون^۳ بخش کاپریکس آنایوسکی^۴ روسیه به دنیا آمد. را در دانشکده جنگی کی‌یف اوکراین تحصیل کرد و در ۱۳۰۵/۱۸۸۸ ق از آکادمی مهندسی نظامی - فنی نیکولایف^۵ فارغ‌التحصیل شد. سپس با هدف‌های اکتشافی برای خدمات نظامی به قفقاز، وراخزر، ترکیه، ایران و افغانستان سفر کرد. در سرکوب قیام مشت‌زن‌های چین شرکت کرد و سپس به اتیوپی رفت و در مصر لقب تمساح نیل را گرفت. نتایج این مأموریت‌ها علاوه بر هدف‌های نظامی کتاب‌های متعددی است که در آن به همه نقاط راهبردی توجه کرده است. در این نوشتار بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی، به دنبال تبیین هدف‌های اکتشافی این نظامی برجسته روسیه در آذربایجان هستیم که با عنوان جغرافیای حربی ایران در سال ۱۸۸۹ در تفلیس چاپ شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از پژوهش او به عنوان نقشه راه در حمله به ایران استفاده شده است.

واژگان اصلی: آرتامونوف، آذربایجان، ایران، دیپلمات، روابط، روسیه.

۱. عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد واحد شبستر manijehsadri@gmail.com

۲. مدیرگروه بخش فلسفه دایره‌المعارف ملی آذربایجان

۳Kherson

۴Kapritsa Ananievsky district

۵Nikolaev

پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی تحولات افغانستان

علی طائی^۱

۲۰ سال حضور نیروهای ائتلاف بین‌المللی در افغانستان و صرف هزینه حدود ۲،۴۶ تریلیون دلار و به‌جا گذاشتن بیش از ۲۴۱ هزار کشته سرانجام با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان آن هم استیلایی کامل‌تر از سال ۲۰۰۱ روی داده است. واشینگتن که سند راهبردی منطقه‌ای خود برای سال ۲۰۲۵ با پیوسته‌سازی افغانستان به آسیای مرکزی، یک سند افغانستان‌محور به دنیا معرفی کرده بود و همه طرح‌های منطقه‌ای مورد حمایت خود را چه در زمینه حمل‌ونقل کالا و انرژی و چه در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای و اجتماعی با محوریت افغانستان تنظیم کرده بود؛ ناگاه افغانستان را به طالبان سپرد. پرسش این نوشتار این است که این اقدام چه پیامدهایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به دنبال خواهد داشت؟

روابط پیدا و پنهان اخیر دو قدرت منطقه یعنی روسیه و چین با طالبان و همچنین حضور دیگر بازیگران منطقه‌ای مانند ترکیه و ایران در آینده افغانستان و توانایی طالبان در پایه‌ریزی روابط خارجی منطبق با اصول بین‌المللی و ایجاد امنیت برای اجرای طرح‌های منطقه‌ای انرژی و حمل‌ونقل کالا از پارامترهای تعیین‌کننده تحولات آینده در این منطقه هستند. آمریکا توانست با جلب توجه رقبای جهانی خود مانند چین به افغانستان با در نظر گرفتن شرایط کنونی که این طرح‌های مورد حمایت آمریکا مانند وراخزر، بر پایه مدیریت دیگر کشورهای حاشیه خزر و در راستای منافع آمریکا و بدون حضور فیزیکی این کشور و صرف هزینه‌های سنگین، اجرایی شود، براساس محاسباتش گامی در جهت تحقق منافع خویش بردارد. ترکمنستان و ازبکستان در آسیای مرکزی در چند سال اخیر روابط خوبی را با طالبان برقرار کردند که امیدها برای ادامه اجرای طرح‌های منطقه‌ای را همچنان حفظ می‌کند. در این نوشتار با رویکرد تحلیلی - توصیفی، شرایط آینده منطقه در پی تحولات اخیر بررسی شده است.

واژگان اصلی: آمریکا، افغانستان، طالبان، سند راهبردی منطقه‌ای، نیروهای ائتلاف، روسیه، چین.

۱. کارشناس آسیای مرکزی، بنیاد مطالعات قفقاز، alitaii84@gmail.com

دیدگاه شهروندان روسیه در مورد ایران؛ مطالعه موردی

بررسی پنج سایت خبری بزرگ روسیه

موسی عبداللهی^۱

روابط ایران و روسیه به دلیل هم‌جواری، فرصت‌ها و تهدیدهای مشترکی که هر دو کشور با آن مواجه هستند؛ اهمیت زیادی دارد. دو کشور با وجود توسعه مناسب روابط سیاسی، موفقیت چندانی در توسعه روابط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متناسب با ظرفیت‌های دو کشور نداشته‌اند. یکی از مسائلی که به‌تازگی در روابط کشورها بسیار مورد توجه قرار گرفته است، مسئله نیروی نرم و دیدگاه شهروندان کشور هدف در مورد کشور مقابل است. در ایران به دلیل تجربه‌های تلخ تاریخی و معاصر دیدگاه چندان مثبتی نسبت به روسیه وجود ندارد. در روسیه نیز به دلیل ناآگاهی و تجربه‌های تاریخی شناخت مناسبی نسبت به ایران وجود ندارد. در این نوشتار تلاش شده است با رویکرد توصیفی تحلیلی و مطالعه و بررسی «کامنت»‌های خبرهای مربوط به ایران، دیدگاه شهروندان روسیه نسبت به ایران بررسی شود. پرسش این نوشتار این است چگونه واکنش مخاطبان سایت‌های خبری روسیه در مورد اخبار مربوط به ایران؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که نداشتن شناخت دقیق و عمیق شهروندان روسیه نسبت به ایران سبب شده است تا بیشتر شهروندان روس دیدگاه مثبتی نسبت به ایران نداشته باشند. برای به‌دست آوردن جامعه آماری مناسب دیدگاه مخاطبان پنج سایت اصلی خبری روسیه براساس طبقه‌بندی گوگل شامل Rt.ru، tass.ru، rbc.ru، lenta.ru، ria.ru مورد مطالعه قرار گرفته است.

واژگان اصلی: ایران، رسانه، روسیه، زبان روسی، زبان فارسی، شهروند، نیروی نرم.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، mabdollahi@ut.ac.ir

جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ علیه منافع ملی ایران و همکاری با روسیه برای مقابله با تهدیدهای آن

عبدالرحمان عبدانی^۱

جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ در پاییز ۱۳۹۹ سبب آزاد شدن بخش بزرگ سرزمین‌های اشغالی جمهوری آذربایجان شد. در این روند ترکیه، اسرائیل و تروریست‌های اجاره‌ای نقش بسزایی داشتند. گرایش‌های زیاده‌خواهانه ترکیه، در کنار تلاش رژیم اسرائیل برای حضور در مرزهای ایران سبب مطرح شدن این پرسش شده است که آیا ممکن است در سایه بی‌عملی دستگاه سیاست خارجی ایران، شاهد از دست رفتن منافع ملی ایران در این حوزه حیاتی باشیم؟ تهدیدهایی همچون تغییر بافت جمعیتی آن سوی ارس، تشدید تمایل‌های پان‌ترکی، حضور نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و شرکت‌های اسرائیلی و ناتو در همسایگی مرزهای ایران، احتمال اشغال استان‌های جنوبی ارمنستان به بهانه ایجاد دالان زنگه‌زور و خطر از دست رفتن مرز زمینی ارمنستان با ایران، از جمله خطرهایی است که در سایه هرگونه غفلت به منافع ملی ایران وجود دارد.

اقدام‌های مشترک با روسیه در قالب‌های دو و چندجانبه از بهترین راهکارهایی است که می‌توان برای مقابله با این خطرهای فزاینده پیش‌بینی کرد. در این نوشتار با استفاده از رویکرد توصیفی تحلیلی در تلاش است با همکاری مشترک ایران و روسیه، سیاست‌های پان‌ترکی و دالان توران مقابله کرده حضور اسرائیل کنترل و محدود شود، جلوی تغییر ترکیب جمعیتی گرفته شود و مرزهای بین‌المللی به همین شکل کنونی محفوظ مانده و منافع ملی ایران تأمین شود.

واژگان اصلی: ایران، ترکیه، جنگ قره‌باغ، دالان زنگه‌زور، روسیه.

۱. کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای از دانشگاه تهران، rahmanabdani@ymail.com

پیامدهای خروج آمریکا از افغانستان بر آسیای مرکزی

مسعود فتحی‌پور^۱

رویداد ۱۱ سپتامبر بهانه‌ای برای حضور نظامی آمریکا و متحدانش در افغانستان بود. آمریکا و متحدان اروپایی‌اش به مدت بیست سال در افغانستان حضور فعال نظامی داشتند. استقرار نیروهای آمریکایی و تسلط آن‌ها بر اوضاع سیاسی - امنیتی افغانستان، الزام‌های سیاسی پیچیده‌ای را برای همسایگان افغانستان به وجود آورده بود. خروج آمریکا از افغانستان و استقرار دوباره طالبان، چشم‌انداز مبهم آینده منطقه و اوضاع متحول افغانستان نیز شرایط سختی را برای همسایگان به وجود آورده است. با توجه به این مسائل، این پرسش مطرح است که خروج آمریکا از افغانستان چه پیامدهایی در منطقه آسیای مرکزی دارد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که از پیامدهای احتمالی خروج نیروهای آمریکایی، ایجاد خلأ ژئوپلیتیکی، تعمیق فعالیت‌های گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه، حضور پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای آسیای مرکزی و حضور فعال ترکیه و اسرائیل در منطقه آسیای مرکزی است. رویکرد این نوشتار توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و منابع اینترنت است.

واژگان اصلی: آسیای مرکزی، آمریکا، افغانستان، طالبان.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات آمریکای شمالی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، fathipour65@ut.ac.ir

نقش مناطق آزاد مرزی در توسعه اقتصاد ملی و مقابله با تحریم‌ها

مطالعه موردی منطقه آزاد ارس

حامد فروزان^۱

علی کرمی^۲

امروزه کشورهای متفاوتی از توسعه یافته و در حال توسعه با توجه به ویژگی مناطق آزاد تجاری صنعتی برای دستیابی به هدف‌هایی مانند توسعه اقتصاد ملی، جذب سرمایه‌های خارجی، استفاده از برتری‌های نسبی، ایجاد فرصت‌های شغلی، تربیت نیروی انسانی، افزایش درآمدهای ناشی از فعالیت‌های خدماتی، افزایش کارایی اقتصاد ملی، توسعه منطقه‌ای و تبدیل بخش‌های عقب‌مانده به قطب‌های توسعه، اقدام به ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی کرده‌اند. حداثی این نوشتار تحلیل و بررسی نقش مناطق آزاد مرزی در توسعه اقتصاد ملی و مقابله با تحریم‌ها با تأکید بر منطقه آزاد ارس است. در پی پاسخ این پرسش است که مناطق آزاد مرزی به‌ویژه منطقه آزاد ارس در توسعه اقتصاد ملی و مقابله با تحریم چه نقشی دارند؟ برای رسیدن به هدف نوشتار، عوامل تأثیرگذار بر بهبود عملکرد صادرات مناطق با مرور ادبیات شناسایی و با استفاده از روش توصیفی پیمایشی و ابزار پرسشنامه و با مراجعه به نمونه ۱۲۰ نفره از جامعه آماری کارشناسان، خبرگان و فعالان منطقه آزاد تجاری ارس، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و با روش تحلیل عاملی تأییدی و مدل اندازه‌گیری معادلات ساختاری با نرم‌افزار پی ال اس تجزیه و تحلیل شد. همچنین، با توجه به طبیعی نبودن توزیع داده‌ها از آزمون ناپارامتریک دو جمله‌ای برای بررسی عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد صادراتی منطقه آزاد تجاری ارس در فرضیه‌های نوشتار و نیز از آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی عوامل استفاده شد. نتایج این نوشتار نشان می‌دهد که مناطق آزاد کشور با هدف توسعه صادرات و کمک به اقتصاد با توجه به برتری‌های ویژه برای سرمایه‌گذاران شکل گرفته شده و اکنون که ایران با محدودیت‌های بین‌المللی دشمنان مواجه است، وجود این مناطق نقطه اتکایی برای حفظ بازارهای هدف و تأمین مواد اولیه واحدهای داخلی برای تداوم تولید و صادرات است. بهترین راه مقابله با تحریم‌ها و دور زدن تحریم‌ها رونق و گسترش تجارت مرزی ۱۵ استان مرزی کشور است که با ۱۶ کشور همسایه مرزی هستند.

واژگان اصلی: تجارت مرزی، تحریم، مناطق آزاد تجاری، مناطق آزاد.

۱. دکترای ارتباطات و استادیار بنیاد ایران‌شناسی، iranology.research@gmail.com

۲. دکترای مطالعات اروپای دانشگاه تهران.

فراز و فرود روابط تهران و مسکو؛ تنگناهای رسیدن به تعاملات راهبردی

معصومه فلاحتی^۱

در سال‌های اخیر ثبات در محیط امنیتی منطقه آسیای مرکزی و خاورمیانه، همراه با پیچیدگی‌ها و چالش‌های فزاینده‌ای روبه‌رو بوده است. گرایش‌های ملی‌گرایانه در آسیای مرکزی و تحولاتی در منطقه خاورمیانه موسوم به بهار عربی تجربه شده‌اند که در کنار این گرایش‌ها، پیدایش چالش‌های داخلی، ضعف در دولت ملت‌سازی و ورود قدرت‌های خارجی به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر محیط امنیتی منطقه را با پیچیدگی‌هایی روبرو کرده است. در چنین فضایی همکاری‌ها و رقابت‌ها، مداخله بازیگران خارج از منطقه از مؤلفه‌های تأثیرگذار در محیط امنیتی این منطقه است که می‌توانند نقشی مثبت یا منفی در ثبات منطقه داشته باشند. در چنین شرایطی بیش از هر زمانی، ضرورت همکاری میان کشورهای منطقه برای جلوگیری از نفوذ بازیگران خارج از منطقه احساس می‌شود، اما روابط تهران و مسکو همواره با فراز و فرودهای فراوانی همراه بوده است و همیشه یکی از حالت‌های رقابت و دشمنی یا دوستی بوده است. از بزرگ‌ترین انگیزه‌های گسترش روابط و همکاری مشترک دو کشور ایران و روسیه، سیاست ضدآمریکایی هر دو بوده است. روابط این دو کشور در سال‌ها همواره با چالش‌ها و فرصت‌هایی روبه‌رو بوده است که در این نوشتار به برخی از این چالش‌ها و فرصت‌ها اشاره می‌کنیم. روسیه همواره به دنبال کسب منافع برای خود از ایجاد روابط با ایران بوده است و از این همکاری‌ها برای پیشبرد هدف‌های خود در منطقه استفاده کرده است. از آنجا که مناسبات کشورها را زمانی می‌توان راهبردی توصیف کرد که هر دو طرف در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی بالاترین سطح مناسبات را داشته باشند، بنابراین روابط تهران و مسکو در شرایط کنونی روابطی راهبردی نیست، اما ایران می‌تواند با به‌کارگرفتن سیاست‌های هوشمندانه و بهره‌گیری از موقعیت راهبردی و ژئوپلیتیکی خاص خود و استفاده از فرصت‌هایی که برای حل مناقشه‌ها در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی می‌تواند به‌عنوان میانجی در اختیار داشته باشد اهمیت حضور و کنشگری خود را افزایش دهد و روابط دو کشور را به سوی تعاملات راهبردی پیش ببرد و کفه ترازو روابط دو کشور را به سود ایران سنگین کند. البته این امر مستلزم هوشیاری و به‌کارگرفتن تصمیم‌های درست و بهره‌گیری مناسب از فرصت‌ها و امکانات موجود است. با توجه به تحولات اخیر در کشور افغانستان بیش از پیش ضرورت همکاری میان تهران و مسکو برای مقابله با تهدیدهایی که از سوی گروه‌های افراط‌گرا در افغانستان ممکن است در آینده به وجود بیاید احساس می‌شود. البته باید منتظر ماند تا ببینیم سرانجام تحولات افغانستان به چه نتیجه‌ای منجر می‌شود.

واژگان اصلی: ایران، تحولات، محدودیت، تعاملات راهبردی، رقابت، روسیه، فرصت، همکاری.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج،

فرصت‌ها و موانع همکاری ایران و روسیه در پرتو تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی

دکتر مصطفی قادری حاجت^۱

حسین امیرابراهیمی^۲

منطقه قفقاز جنوبی به واسطه موقعیت ارتباطی و گذرگاهی در ناحیه جغرافیایی اوراسیا، ویژگی‌های ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی برای بازیگران و کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جذابیت‌های ویژه‌ای دارد. بحران‌های سرزمینی، قومی، سیاسی و اقتصادی پدیدآمده در منطقه قفقاز، ناشی از فروپاشی شوروی به تشدید بحران در منطقه منجر شده‌اند. از آنجایی که منافع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بیشتر با یکدیگر در گروهی از همکاری تا رقابت در نوسان است. با توجه به اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی در سه سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی برای کشور روسیه و همچنین موقعیت ایران به عنوان کشوری مهم در منطقه است. موضوعی که موجب شده است ایران و روسیه به واسطه تفاوت در علائق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی هم‌زمان در منطقه، منافع متقابل یا متضاد خود را پیگیری کنند. به نظر می‌رسد در سطح منطقه دو کشور از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های سازماندهی نهادهایی مؤثر برای حل و فصل مسائل و توسعه، امنیت و همکاری برخوردارند. این نوشتار با رویکرد تحلیلی و توصیفی و استفاده از منابع و اسناد در دسترس می‌کوشد با بررسی تحولات ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز جنوبی بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه قره‌باغ برای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بپردازد و فرصت‌ها و موانع همکاری ایران و روسیه را تحلیل و بررسی کند.

واژگان اصلی: امنیت ملی، ژئوپلیتیک، کد ژئوپلیتیکی، منافع ملی.

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس hossein.amir1@yahoo.com

توسعه دیپلماسی چندجانبه نظامی ایران، روسیه و چین در غرب آسیا

وحید قربانی^۱

دیپلماسی نظامی به استفاده از ابزارهای نظامی و غیرنظامی برای دستیابی به هدف‌های صلح‌آمیز، پرهیز از خشونت نظامی و افزایش بازدارندگی اشاره دارد. ترسیم مرز در میان مأموریت‌های نظامی و دیپلماتیک دشوار است، اما این نوع دیپلماسی به معنای سنتی مأموریت‌های وزارت خارجه نیست، بلکه روش‌های دیپلماتیک را پایه تعاملات نظامی دوجانبه و چندجانبه قرار می‌دهد و بر سیاست خارجی، حفظ امنیت ملی و تأمین منافع ملی (در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی) تأثیر می‌گذارد. در این زمینه، یکی از پویایی‌های جدید در پرتو تحولات نوین منطقه‌ای غرب آسیا، پدیدآمدن دیپلماسی چندجانبه نظامی و توسعه روابط راهبردی میان سه کشور ایران، روسیه و چین به شمار می‌آید. توسعه رزمایش‌های نظامی چندجانبه و تماس‌های بندری، حمایت چین و روسیه از عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای، تقویت همکاری تسلیحاتی، مقابله با تمدید تحریم تسلیحاتی ایران در شورای امنیت، اعلام حمایت نظامی - امنیتی از یکدیگر در واژه‌های دیپلماتیک، برقراری «دیپلماسی مشارکت» با بعد نظامی - امنیتی، هم‌سویی آیین‌های نظامی - امنیتی در تنش‌های خلیج فارس از سال ۲۰۱۹، مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی در غرب آسیا و تأکید بر مشارکت دوطرف در گفت‌وگوهای نظم و امنیت منطقه‌ای (مدل آستانه)، رفتارهای جدیدی است که در بحث دیپلماسی چندجانبه نظامی این کشور قابل ردیابی است. هدف این نوشتار، بررسی سطح قوام‌یابی این نوع الگوی رفتاری جدید در روابط ایران، روسیه و چین است و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه روابطی بر توسعه دیپلماسی نظامی چندجانبه این کشورها در منطقه غرب آسیا حاکم است؟ این نوشتار با تمرکز بر ابعاد مختلف همکاری مشترک نظامی ایران، روسیه و چین، روابطی کلی دیپلماسی نظامی چندجانبه آن‌ها را مبتنی بر انقباض راهبردی آمریکا و به‌کارگیری موازنه فرامرزی از سوی این کشور در غرب آسیا، تحکیم حدود نظم منطقه‌ای جایگزین، افزایش هماهنگی برای حفظ منافع مشترک و ارتقای امنیت و ثبات منطقه‌ای، بازنمایی تصویر صلح‌آمیز از ماهیت همکاری‌ها و نمایش هم‌سویی راهبردی و تضمین روابط سیاسی و اقتصادی برآورد می‌کند.

واژگان اصلی: ایران، چین، دیپلماسی چندجانبه نظامی، روسیه، روندهای نوین منطقه‌ای.

۱. مدیرگروه سیاست خارجی پژوهشکده تحقیقات راهبردی، دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی

تأثیر بحران سوریه بر روابط ایران و روسیه

ولیخان میرزاخاناف^۱

زهرای قیاسی^۲

بحران سوریه که در ادامه رویداد بهار عربی آغاز شد در سال ۲۰۱۰ در جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا شکل گرفت، سیر تغییر و تحولات در منطقه خاورمیانه شدت یافت. به‌ویژه آنکه پس از ورود گروه‌های تروریستی به سوریه، این کشور به صحنه جنگی همه‌جانبه تبدیل شد. هریک از بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای با توجه به منافع خود و تهدیدهای ناشی از بحران سوریه مستقیم یا غیرمستقیم به این بحران وارد شدند که آمریکا، روسیه، ایران، ترکیه، عربستان سعودی و قطر از بازیگران اصلی این بحران بودند. این نوشتار در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که جنگ تحمیلی شکل گرفته علیه سوریه چه تأثیری بر روابط روسیه و ایران داشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح است که تهدیدها و هدف‌های مشترک برآمده از آغاز تحولات سوریه از سال ۲۰۱۱ برای نخستین بار موجب شکل‌گیری جبهه‌ای واحد توسط ایران و روسیه شد که پس از همکاری‌های دیپلماتیک و سیاسی، با ورود نظامی روسیه در سپتامبر ۲۰۱۵ به این بحران همکاری‌های نظامی و عملیاتی خود را نیز شروع کردند. حفظ نظام حاکم بر سوریه، مقابله با نفوذ غرب به رهبری ایالات متحد و مبارزه با گروه‌های تروریستی به‌ویژه پس از قدرت گرفتن داعش و تسلط این گروه به بیش از نیمی از خاک سوریه از دلایل اصلی همگرایی و نزدیکی دو کشور محسوب می‌شوند. در این نوشتار از روش تحلیلی توصیفی استفاده شده و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است.

واژگان اصلی: ایران، بحران سوریه، بهار عربی، روسیه، منافع مشترک، منافع ملی.

۱. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای خارجی و سیاست خارجی، دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه

۲. دانشجوی دکتری رشته تاریخ روابط بین‌الملل، دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه، zhr.ghiasii@gmail.com

بررسی افول روسیه و تأثیر آن بر همکاری‌های راهبردی با ایران در غرب آسیا

محمد کرپوری^۱

منصور باقدم^۲

نابودی و پدیدآمدن قدرت‌های بزرگ در سیستم بین‌المللی همواره یکی از موضوع‌های روابط بین‌الملل بوده است. در این زمینه روسیه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به‌عنوان قدرت درجه دوم محسوب می‌شود و این کشور در مقایسه با قدرت‌های بزرگ و نوپدید سیستم بین‌المللی روند افول را طی می‌کند. این پرسش در این نوشتار مطرح می‌شود که افول روسیه چه تأثیری بر همکاری راهبردی این کشور با ایران در غرب آسیا داشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که براساس شاخص‌های چرخه قدرت، هر قدر روسیه روند افول را طی می‌کند برای ایجاد موازنه قدرت در برابر غرب و آمریکا در غرب آسیا، همکاری‌های راهبردی خود را با ایران افزایش می‌دهد. بنابراین نظریه چرخه قدرت همواره برای بررسی میزان پائین و بالارفتن قدرت‌های بزرگ به‌کار گرفته می‌شود. در این نوشتار از روش تجزیه و تحلیل چرخه قدرت براساس شاخص‌های کمی و آماری به‌روزشده اقتصادی و نظامی دیلان کیسان و چارلز دوران برای ارزیابی و مقایسه قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل با روسیه استفاده و نتایج به‌دست آمده تجزیه و تحلیل می‌شود تا در مورد موقعیت و مسیر قدرت کنونی روسیه در غرب آسیا در رابطه با ایران نتیجه‌گیری شود. روش گردآوری داده‌ها، اینترنتی و کتابخانه‌ای است و از روش پژوهش، تحلیلی کمی استفاده شده است.

واژگان اصلی: افول، ایران، چارلز دوران، چرخش قدرت، خاورمیانه، دیلان کیسان، روسیه.

۱. دانشجوی دکترای اندیشه سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، mohammad.karampouriy@mail.um.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، mansourbaghadam@gmail.com

لزوم همکاری مشترک دفاع زیستی ایران و روسیه برای مقابله با بحران‌های زیستی

عباس مثنوی^۱

بحران‌های زیستس از جدی‌ترین دغدغه‌های جهان امروز است. خطرهای فعالیت‌های ماجراجویانه و آزمایش‌های زیست‌شناختی امروزه در قالب مرزها باقی نمی‌ماند و می‌تواند امنیت همه کشورهای جهان را با خطر مواجه کند. ایالات متحد سابقه‌ای طولانی در تولید و استفاده از سلاح‌های زیست‌شناختی دارد، در دوران جنگ جهانی دوم بیشترین فعالیت را در تولید این سلاح‌ها داشته است و پس از پایان جنگ سرد ایالات متحد با هدف دورکردن کانون فعالیت مخرب از خاک خود و نزدیک‌تر شدن محل استقرار سلاح‌های زیستی به روسیه، ایران و چین در بسیاری از جمهوری‌های جداشده از اتحاد شوروی اقدام به ساخت آزمایشگاه‌های زیست‌شناختی کرده است. آزمایشگاه‌هایی که با توجه به پیشینه ایالات متحد و بروز شواهدی از نشت ویروس در منطقه تواند بحرانی جدی برای کشورهای همسایه ایجاد کند. شیوع کرونا نشان داد که بحران همه‌گیری زیست‌شناختی تا چه اندازه می‌تواند امنیت، اقتصاد و فعالیت رو به رشد کشورها را با مشکل روبه‌رو کند. این موضوع ضرورت مقابله و ورود سازمان‌های جهانی برای مقابله با رفتار متخلف برخی کشورها را چندبرابر کرده است. در این نوشتار به تهدیدهای مشترک زیست‌شناختی ایران و روسیه توسط ایالات متحد پرداخت می‌شود، با نگاهی به آزمایشگاه‌های زیست‌شناختی آمریکا در کشورهای همسایه ایران و روسیه لزوم همکاری این دو کشور در حوزه تشکیل ساختاری با تکیه بر حقوق بین‌الملل بر ضد تهدیدهای زیست‌شناختی بررسی می‌شود.

واژگان اصلی: امنیت زیستی، تهدید جهانی، تهدیدهای زیستی، خلع سلاح زیست‌شناختی، همکاری مشترک، همکاری‌های ضدزیستی.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج abbasmasnavi@gmail.com

سازمان همکاری شانگهای و افغانستان پس از خروج نیروهای ناتو،

با نگاهی به همکاری قدرت‌های منطقه‌ای

دکتر محمدرضا مجیدی^۱

غلامرضا خادمی^۲

سعیده شمس^۳

خروج همه نظامیان ناتو و به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان نشان‌دهنده ناکامی ناتو در ایجاد ثبات در این کشور است. ناتوانی اساسی در شناخت و تعامل با بازیگران تأثیرگذار، اختلاف‌ها و تنش‌های اساسی بین متحدان اصلی بر سر هدف‌های راهبردی در افغانستان و تلاش نکردن برای حل و فصل سیاسی فراگیر بیند و طرف درگیری و پیشبرد امور براساس هدف سیاسی قابل پژوهش از علت‌های شکست حضور بیست ساله بود. در این شرایط پرسش‌هایی مطرح است: آیا جایگزین‌هایی برای خلأ ایجاد شده متصور است؟ آیا سازمان همکاری شانگهای می‌تواند با درس‌آموزی از رویدادهای سال‌های اخیر در چارچوب منافع همه‌جانبه نقشی ثبات‌بخش در افغانستان داشته باشد؟ اگر عضویت کامل ایران در این سازمان نهایی شود، نقش این سازمان در منطقه چه تحولی پیدا خواهد کرد؟ این نوشتار تلاش می‌کند در پاسخ به این پرسش‌ها، چگونگی تعامل قدرت‌های منطقه‌ای در اشکال دوجانبه و چندجانبه را با هدف ایجاد ثبات در افغانستان واکاوی کند.

واژگان اصلی: افغانستان، سازمان همکاری‌های شانگهای، طالبان، منطقه، ناتو.

۱. دانشیار مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، mrezamajidi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، khademi2735@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

جایگاه فدراسیون روسیه در سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران

محمدرضا مجیدی^۱

علیرضا ثمودی^۲

در سال‌های اخیر کنشگران مختلف برای تأمین هدف‌های خود در محیط پیرامونی اقدام به تعریف و تدوین سیاست همسایگی کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، یکی از کنشگران پیشرو در این حوزه، اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا افزون بر اجرای سیاست‌های مختلف، در سال ۲۰۰۴ سیاست همسایگی اروپا را تدوین کرد تا بتواند تعامل بهتری با همسایگان جدید خود داشته باشد. سیاست همسایگی اروپا بخشی از تلاش‌های اتحادیه اروپا برای پیشبرد سیاست خارجی کارآمد اروپایی بود. جمهوری اسلامی ایران با پانزده همسایه در آب و خاک، فرصت‌ها و چالش‌های متعدد پیش رو دارد. مدیریت مطلوب محیط همسایگی مستلزم «سیاست همسایگی» جامع و واقع‌بینانه است. در سال‌های اخیر تمرکز بر برخی موضوع‌ها در روابط خارجی و غفلت از همسایگان، یکی از چالش‌های مهم پیش روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. با توجه به این خلأ، دستگاه دیپلماسی در دوره جدید، سیاست همسایگی را به‌عنوان اولویت مطرح کرده است. جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد سیاست‌های خود در منطقه نیازمند سیاست همسایگی روشن برای تعامل با همسایگان و پیشبرد هدف‌ها و تأمین منافع خود است. مؤلفه‌های گوناگون در تعریف چنین سیاستی دخیل هستند و هر یک از همسایگان نیز ویژگی‌ها و مسائل خاص خود را دارند. یکی از همسایگان مهم در مرزهای شمالی، فدراسیون روسیه است که در دو سده گذشته، روابط دو کشور با پیشینیان خود یعنی امپراتوری تزاری و اتحاد شوروی در دوره‌های قاجار و پهلوی و پس از انقلاب اسلامی، با فرازو فرودها روبه‌رو بوده است. موافقان و مخالفان روابط دو کشور در دوره جدید استدلال‌های خود را ارائه می‌کنند. تهران و مسکو در برخی حوزه‌ها اشتراک دارند و در برخی حوزه‌ها نیز منافع آن‌ها در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرد. این مقاله با نگاهی به جایگاه ایران در سیاست روسیه، به دنبال بررسی جایگاه روسیه در سیاست همسایگی ایران و بایسته‌های آن است و می‌کوشد با نگاهی به تحولات روابط دو کشور و توجه به حافظه تاریخی موجود، چگونگی تعامل با مسکو برای تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف را بررسی کند.

واژگان اصلی: ائتلاف، جمهوری اسلامی ایران، روابط راهبردی، سیاست همسایگی، فدراسیون روسیه.

۱. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، mmajidi@ut.ac.ir

۲. دکترای مطالعات منطقه‌ای

خط لوله ابریشم گازی؛ ایجاد پان منطقه گرایی چین، ایران و

اتحادیه اروپا (تعامل یا تقابل روسیه)

محمدرضا مجیدی^۱

سید محمود حسینی^۲

ایران به واسطه موقعیت جغرافیایی، همانند پلی است که شرق و غرب را به یکدیگر وصل می‌کند. همچنین ایران از بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان را دارد که توانایی انتقال ظرفیت گازی خود به بازارهای اروپایی و شرق آسیا را دارد. از سویی، چین و اتحادیه اروپا هرکدام به عنوان مصرف‌کنندگان اصلی گاز طبیعی در جهان شناخته شده‌اند که می‌کوشند مسیرهای وارداتی خود را متنوع کنند. یکی از طرح‌هایی که اتحادیه اروپا برای کاهش وابستگی خود به گاز روسیه ارائه کرده است، طرح راهروی گازی جنوبی است که می‌خواهد گاز طبیعی حوزه خزر و غرب آسیا را به اروپا انتقال دهد. در این طرح گاز انتقالی جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، ایران، عراق و مدیترانه شرقی گنجانده شده است. علاوه بر آن، چین نیز می‌خواهد برای اجرایی شدن راهبرد یک کمربند و یک راه، شبکه انتقالی گاز خط لوله خود را در قالب طرحی پیشنهادی از راه پاکستان به ایران متصل کند. در این میان ایران به مثابه حلقه واسط این دو بازار بزرگ باید بکوشد تا نخست با اصلاح سیاست‌های انرژی در داخل و دوم با به کار گرفتن دیپلماسی گازی فعالانه و تشکیل تیم ویژه خط لوله، چنین شبکه‌ای را راه‌اندازی کند. ایجاد چنین شبکه گازی در چارچوب شکل‌گیری منطقه انرژی و ابتکار پان منطقه‌ای قرار خواهد داشت که چین از منطقه شرق آسیا، پاکستان، ایران و ترکیه از غرب آسیا و کشورهای اتحادیه اروپا در آن حضور خواهند داشت. در این میان، رویکرد روسیه نسبت به خطوط لوله انتقالی از ایران به اروپا و شرق آسیا نیز شایان توجه خواهد بود.

واژگان اصلی: ابریشم گازی، خط لوله، راهروی گازی جنوبی، منطقه گرایی، یک کمربند یک جاده.

۱. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران mmajidi@ut.ac.ir

راهبردی SOAR

امیررضا اسدی^۱

عبدالله مرادی^۲

روابط تهران و مسکو در طول تاریخ معاصر، روابطی پر فراز و نشیب بوده است که در دهه‌های اخیر متأثر از نگرش سیاسی راهبردی نخبگان سیاست خارجی دو کشور بوده و به‌شکلی نیز از تحولات منطقه‌ای و نظام بین‌الملل تأثیر پذیرفته است. با وجود هم‌سویی‌ها در مواضع سیاسی به‌ویژه در برابر بحران‌های امنیتی غرب آسیا و نیز رویکرد انتقادی به نظام بین‌المللی، اما همچنان روابط ایران با فدراسیون روسیه، با چالش استخراج نشدن راهبردها، اجماع سیاسی و جهت‌دهی محیط اقتصادی کشور مواجه است. این مسئله در دوره‌های متعددی بر سطح روابط دو کشور و رسیدن به منافع مورد انتظار ایران از روابط با روسیه تأثیر منفی گذاشته است. از این‌رو، تعیین راهبردهایی برای ارتقای روابط تهران و مسکو برای بیشینه‌سازی منافع و امنیت ملی ایران بسیار اهمیت دارد. ضرورت این امر آنجایی بیشتر نمایان می‌شود که با توجه به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و در راستای راهبرد نگاه به شرق، تهران با جدیت بیشتری به روابط با مسکو می‌نگرد. این نوشتار به‌دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که راهبردهای ارتقای روابط ایران و فدراسیون روسیه در جهت بیشینه‌سازی منافع و امنیت ملی ایران کدامند؟ برای پاسخ به این پرسش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی از جامعه آماری اسناد بالادستی، سخنان رهبران دو کشور و نیز پژوهش‌های کتابخانه‌ای، در قالب مدل راهبردی SOAR (قوت‌ها، فرصت‌ها، چشم‌انداز و نتایج مورد انتظار از روابط ایران و روسیه) بهره خواهد گرفت. برای استخراج راهبردها نیز از روش کیفی با تشکیل کارگروه نخبگانی در قالب جلسه بارش فکری استفاده می‌شود.

واژگان اصلی: ایران، راهبرد، فدراسیون روسیه، فرصت، قوت، مدل راهبردی SOAR.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات غرب آسیا و شمال آفریقا، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)،

amirrezaasadi1375@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، moradi.abdolah@gmail.com

همکاری‌های منطقه‌ای ایران و روسیه در غرب آسیا

زهره معارف‌وند^۱

تعامل و تقابل قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در غرب آسیا لزوم همگرایی و همکاری بیشتر میان ایران و روسیه را در شرایط نوین منطقه ایجاب می‌کند. نبود دولت‌های دموکراتیک و نبود ثبات داخلی و عقلانیت سیاسی در میان رهبران کشورهای منطقه، غرب آسیا را دچار تلاطم و بحران‌های بی‌شمار کرده است. ایالات متحد که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی همچنان خود را تنها قدرت عرصه بین‌الملل می‌داند، یک‌جانبه‌گرایی در سیاست بین‌الملل را دنبال می‌کند. سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در دولت ترامپ روشن ساخت که ایالات متحد در عرصه جهانی خود را بی‌رقیب می‌داند و همچنان از این سیاست پیروی می‌کند. همکاری‌های نظامی و امنیتی ایران در سوریه در سال‌های اخیر نمونه بارز و موفق در برابر سیاست‌های آمریکا و متحدان اروپایی‌اش در غرب آسیا بود و هم‌پوشانی منافع ایران و روسیه در این منطقه ضرورت همکاری‌های بیش از پیش دو کشور را آشکار می‌کند. این نوشتار می‌خواهد با واکاوی روابط ایران و روسیه در سال‌های اخیر، همکاری‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی و امنیتی دو کشور را در عرصه بین‌الملل و تأثیر آن را در منطقه غرب آسیا بررسی و رفتار دو دولت را در چارچوب نظریه نهادگرایی نئولیبرال تبیین کند و تحلیلی از همگرایی سیاسی همکاری‌های منطقه‌ای دو کشور در غرب آسیا به‌ویژه مدیریت بحران در سوریه ارائه دهد.

واژگان اصلی: ایران، بحران سوریه، روسیه، غرب آسیا، قدرت‌های منطقه‌ای، همکاری‌های منطقه‌ای.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد کرج، maaref.zahra@yahoo.com

روسیه، ایران و پاکستان در خاورمیانه: نزدیک شدن به امنیت پایدار در خلیج فارس

امیر حسین معصومی^۱

رقابت و دشمنی در الگوهای دوستی و دشمنی کشورهای حاشیه خلیج فارس، موجب رقابت‌های تسلیحاتی و افزایش اختلاف‌های سیاسی و عقیدتی در سطح منطقه‌ای، مانع مهم شکل‌گیری امنیت پایدار در خلیج فارس محسوب می‌شوند. ایالات متحد آمریکا به‌عنوان مداخله‌گر در مجموعه امنیتی خلیج فارس، مانع توسعه همکاری‌های منطقه‌ای شده است و حتی سیاست‌های آن به تشدید رقابت‌ها و دشمنی‌ها انجامیده است. برخلاف ایالات متحد، روابط روسیه و پاکستان با کشورهای منطقه براساس پیشینه طولانی از روابط دیپلماتیک است که ویژگی متمایزکننده آن، حفظ اشتراک‌های اجتماعی و اقتصادی، ارتباط مستقیمی با نزدیکی جغرافیایی منطقه با روسیه و پاکستان دارد که به خودی خود عامل تعیین‌کننده‌ای پیش از شکل‌گیری نظام نوین بین‌المللی بود. این پیوندها ظرفیت زیادی برای کاهش تنش‌ها در منطقه در صورت استفاده در یک چارچوب چندجانبه (مانند سازمان همکاری شانگهای) دارند. به این ترتیب، هم روسیه و هم پاکستان با تکیه بر روابط دوجانبه خود با قدرت‌های بزرگ خاورمیانه می‌توانند نقش مهمی در حل اختلاف‌های موجود به‌ویژه رویارویی مداوم ایران و عربستان سعودی داشته باشند که ثبات را تقویت و عدم قطعیت و خطر را کاهش خواهد داد.

واژگان اصلی: امنیت، ایران، پاکستان، خلیج فارس، روسیه.

۱. دانشجوی مطالعات تاریخی آسیای مرکزی و قفقاز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، masomya@ut.ac.ir

بررسی نقش رسانه‌های روسیه در شکل‌گیری شناخت فرهنگی و سیاسی متقابل ایران و

روسیه با بررسی موردی پایگاه اینترنتی اسپوتنیک فارسی و ریانووستی روسیه

امیرحسین معصومی^۱

با توجه به اهمیت مشارکت جمعی در جوامع امروز و همچنین این موضوع که ایران و روسیه، به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران، افزایش همکاری متقابل و دستیابی به توسعه سیاسی را یکی از هدف‌های خود قرار داده است، این نوشتار می‌کوشد آموزه‌های فرهنگ سیاسی را بررسی کند که به‌وسیله رسانه‌ها به شهروندان، به‌ویژه نخبگان سیاسی منتقل می‌شود و پاسخ این پرسش را بیاید که آیا این دو رسانه به‌عنوان بخش مهمی از فرایند جامعه‌پذیری سیاسی در انتقال آموزه‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی در میان مردم دو کشور موفق عمل کرده‌اند یا خیر؟ بنابر فرض اولیه، اسپوتنیک فارسی و ریانووستی روسیه در شناخت متقابل فرهنگی و افزایش همگرایی سیاسی، به‌دلیل نداشتن برنامه جامعه‌همگرایی درون رسانه‌ای با توجه به توجه نداشتن مناسب به این هدف آن اندازه که نیاز است، موفق عمل نکرده‌اند. امید است این نوشتار با دید تحلیلی - پژوهشی خود، گامی مهم در راستای رسیدن به هدف‌های والای انسانی در ایران و روسیه، با توجه به هدف‌ها و منافع مشترک باشد.

واژگان اصلی: اسپوتنیک فارسی، ایران، رسانه، روسیه، ریانووستی.

۱. دانشجوی مطالعات تاریخی آسیای مرکزی و قفقاز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، masomya@ut.ac.ir

ژئوکالچر: هدف‌های سیاست خارجی روسیه بر مدیریت بحران قره‌باغ

محمدباقر مکرمی‌پور^۱

حدیث باقری‌نیا^۲

یکی از تحولات مهم اخیر در صحنه روابط و سیاست خارجی، بحران قره‌باغ است که تنش‌ها و مداخله‌های جدی، از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را سبب شده است. از پیامدهای آن دگرگونی روابط قدرت و موازنه نیروها در سطوح منطقه‌ای و فعال شدن قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای برای حضور و نفوذ در راهبری بحران قره‌باغ است. هر کدام از این کشورها با دخالت در حل بحران قره‌باغ منافعی را دنبال می‌کنند که روسیه نیز با استفاده از عنصر ژئوکالچر در پی تأثیرگذاری بر حل این بحران است. این نوشتار به دنبال پاسخ به این پرسش است که عنصر ژئوکالچر چه تأثیری بر حل بحران قره‌باغ دارد؟ با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی پژوهش پرداخته و برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای، کتاب‌ها، مقاله‌ها، اسناد و مجله‌ها بهره برده است. بر این اساس یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روسیه به دنبال جاه‌طلبی‌های خود برای حفظ کنترل بر فضای پس از اتحاد شوروی که این منطقه را به‌عنوان حیاط خلوت خود می‌داند، می‌کوشد به وسیله عوامل فرهنگی به مدیریت بحران و زمینه‌سازی برای تقویت تعامل منطقه‌ای کمک کند. در این زمینه، استفاده بهینه و مدبرانه از قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی با اندیشه تحکیم مواضع روسیه در قره‌باغ و کسب قدرت در این منطقه را در دستورکار سیاست خارجی خویش قرار داد.

واژگان اصلی: روسیه، ژئوکالچر، سیاست خارجی، قره‌باغ، مدیریت بحران.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه شاهد، bagher.mokarami@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه شاهد، hadis.bagherinia@alumni.um.ac.ir

نقش راه‌گذر شمال - جنوب در تحول روابط امنیتی ایران و روسیه

عابد نوروزی زرمهری^۱

پیوند امنیت ملی ایران با امنیت و ثبات منطقه اوراسیای مرکزی و تأثیر رفتار کنشگران آن به‌ویژه روسیه در پوشش‌های امنیتی اوراسیا، انتخاب راهبردهای مناسب در روابط با این کشورها را پیچیده کرده است. حضور قدرت‌های بزرگ و فرامنطقه‌ای، بی‌ثباتی در برخی از جمهوری‌های منطقه، حرکت‌های جدایی‌طلبانه، مقابله با حضور ایران در ترتیبات منطقه‌ای، قاجاق، تروریسم و افراط‌گرایی و موارد دیگر ایران را به درپیش‌گرفتن راهبردهای تدافعی در رویارویی با این تهدیدها هدایت کرده است. یکی از راهبردهای تدافعی به‌کار بستن طرح‌های کارکردی در منطقه است. راه‌گذر شمال - جنوب از مهم‌ترین طرح‌های کارکردی - اقتصادی در منطقه است که اوراسیا را از مسیر ایران به خلیج فارس و جنوب شرق آسیا متصل می‌کند. علاوه بر مشکلات مالی موجود، به‌سبب عامل‌های سیاسی مختلف تکمیل این طرح در اولویت کشورها و جایگاهی برتر در هدف‌های سیاست خارجی قرار نگرفته است.

تحولات جدید در اوراسیا و مناطق پیرامونی مانند افغانستان و مشکلات ایران با غرب سبب افزایش میزان تهدیدهای منطقه‌ای ایران شده است. این مسئله دستگاه سیاست خارجی کشور را به روابط مؤثر با همسایگان تشویق کرده است و همکاری‌های تجاری و اقتصادی مانند راه‌گذر شمال جنوب بار دیگر به‌عنوان راهبردی کارکردی در ارتباط پایدار با همسایگان شمالی در اولویت قرار گرفته است. جایگاه این راه‌گذر در راهبردهای دفاعی ایران با هدف رویارویی با تهدیدهای منطقه‌ای و دستیابی به روابط پایدار امنیتی بین ایران و کشورهای اوراسیای مرکزی به‌ویژه روسیه، به شناخت بیشتری نیاز دارد. از این‌رو این نوشتار به‌دنبال پاسخ به این پرسش است که همکاری ایران و روسیه در راه‌گذر شمال - جنوب چگونه می‌تواند به همکاری پایدار منطقه‌ای بین دو کشور کمک کند؟ با استفاده از نظریه واقع‌گرایی تدافعی استدلال می‌شود که همکاری ایران و روسیه در راه‌گذر شمال جنوب با افزایش همکاری کارکردی اقتصادی بین دو کشور سبب همکاری‌های بیشتر برای کاهش تهدیدهای امنیتی در منطقه اوراسیا خواهد شد. با گردآوری داده‌های دست دوم موجود در منابع علمی و روش توصیفی و تبیینی رابطه موجود در فرضیه بررسی خواهد شد. همکاری ایران و روسیه در راه‌گذر شمال جنوب می‌تواند در قالب یک راهبرد تدافعی با نقش مرکزی ایران در همکاری‌های تجاری و اقتصادی روسیه و جنوب آسیا بر افزایش همگرایی مؤثر در منطقه و کاهش تهدیدهای امنیتی تأثیر داشته باشد.

واژگان اصلی: اوراسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران، راه‌گذر شمال - جنوب، فدراسیون روسیه، واقع‌گرایی تدافعی.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، گرایش آسیای مرکزی و قفقاز، abed.n.z@gmail.com

بازنگری در روابط ایران و روسیه در چارچوب سازوکارها و منافع دوجانبه منطقه‌ای

جواد هروی^۱

ایران امروزه بخشی از خارج نزدیک روسیه به حساب می‌آید. ولی حافظه تاریخی پیش از صفویه چنین نیست و معادلات سیاسی در منطقه اوراسیا بعد از پیمان ترکمانچای و به‌ویژه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به گونه‌ای مبهم تبیین شده است. ایران در دوره پشاوروی به‌عنوان بخشی از اوراسیا، همچنان در برابر غرب مقاومت می‌کند و حضور فعال کشورهای مانند چین و ترکیه مانع نشده است مسکو فقط همکاری‌هایی را بپذیرد که محورش روسیه‌ای دور از روح پدرخواندگی باشد. همان‌گونه که محوریت آتلانتیک آمریکا است، روسیه نیز به تمرکزگرایی روسی در حیات خلوت منطقه اصرار دارد. مسئله اساسی در اینجا، بررسی رویکرد تدافعی و انزوای واقعی ایران در برابر سیاست‌های آشکار و پنهان روسیه است. سیاستی که می‌خواهد ایران را همسایه‌ای بی‌دردسر و در نابودی گسل‌های سیاسی منطقه‌ای به‌شکل مؤثری همراه سازد. این پرسش مطرح است که ایران با وجود نقش تعیین‌کننده در خلیج فارس و سرزمین‌های اسلامی، و هویت دیرینه تاریخی، چگونه درحاشیه شطرنج سیاسی منطقه قرار دارد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح است که چنین استدلالی با وجود امپریالیسم غرب و ایدئولوژی ستیزی آمریکا، ناگزیر از توسل به توان روسیه است. پیشینه پژوهش‌ها در این زمینه نیز به‌گونه‌ای ایجابی و خوشبینانه با اجتناب از نقش آشفته و حاشیه‌ای ایران و رویکرد روسیه از تضاد به ابهام، ایران را مؤثر در تعادل قوای منطقه می‌داند. روش پژوهش، تحلیلی و مبتنی بر نقد تحولات نوین و قدیم منطقه، متکی بر منابع اساسی صاحب‌نظران فارسی و غیرفارسی و متن‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خواهد بود.

واژگان اصلی: اوراسیا، انزوای ایران، تعادل منطقه‌ای، محوریت روسیه.

دیپلماسی ترکیه در افغانستان: تأثیر آن بر منافع ایران و روسیه

پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان

طیبه واعظی^۱

پس از دو دهه حضور نظامی ترکیه در افغانستان در قالب نیروهای ناتو، اکنون ترکیه هدف خود برای باقی ماندن در افغانستان را اعلام کرده و این تصمیم را با آمریکا به مشورت گذاشته است. تا آنجا که بنابر موافقت آمریکا قرار است نیروهای نظامی ترکیه حتی پس از خروج کامل نیروهای ناتو امنیت فرودگاه حامد کرزای کابل را تأمین کنند. علاوه بر این در روزهای اخیر پس از تصرف کابل به دست طالبان، ضمن آنکه به نظر می‌رسد ترکیه از روی کار آمدن طالبان ناخشنود نیست مقام‌های این کشور با تأکید بر اصل همکاری، بر آمادگی برای مذاکره با طالبان و برخورد خوش‌بینانه با پیام‌های این گروه تأکید کرده است. در مقابل، طالبان ضمن تأکید بر خروج نیروهای نظامی ترکیه از افغانستان، از ترکیه در کنار چین به عنوان دو کشوری نام برده است که طالبان برای انجام طرح‌های اقتصادی و نوسازی افغانستان خواستار همکاری آن‌ها است.

در مقابل شاهدیم ایران به عنوان کشور همسایه و روسیه به عنوان قدرت بزرگی که به واسطه همسایگی حیاط خلوتش با افغانستان از گذشته تاکنون تحولات افغانستان را در کانون توجه خود قرار داده‌اند، همچنان در مورد شیوه تعامل با طالبان و تهدیدهای احتمالی برخاسته از این گروه دچار ابهام هستند و بی‌شک اضافه شدن ترکیه به بازیگران عرصه افغانستان منافع این دو کشور و دیگر کشورهای درگیر را نیز متأثر خواهد ساخت. مجموعه این تحولات این پرسش را مطرح می‌کند که ترکیه چه منفعی را در افغانستان دنبال می‌کند؟ و دیپلماسی ترکیه در افغانستان چه تأثیری بر منافع ایران و روسیه به جای خواهد گذاشت؟ آیا این تأثیرگذاری به اندازه‌ای است که مواضع ایران و روسیه را در افغانستان به هم نزدیک‌تر کند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها این فرضیه مطرح است که تلاش‌های دیپلماتیک ترکیه برای تداوم حضور در افغانستان ناشی از علاقه گسترده این کشور به اتصال مستقیم با قلب آسیا از و ارتباط اقتصادی گسترده‌تر با پاکستان و هند و چین و ایفای نقش منطقه‌ای مهم‌تر است. این مسئله در کنار نگرانی‌های ناشی از پیشینه ترکیه در ارتباط با گروه‌های تروریست در سوریه و عراق می‌تواند تأثیرهای منفی جدی بر منافع اقتصادی، امنیتی و سیاسی دو کشور ایران و روسیه در افغانستان به جای بگذارد. این فرضیه با روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی تحلیلی بررسی خواهد شد.

واژگان اصلی: افغانستان، ایران، ترکیه، روسیه، گروه‌های تروریستی، منافع ملی.

زمینه‌های همکاری ایران و روسیه در چارچوب سازوکارها و

سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

سعید وثوقی^۱

فاطمه کولیوند^۲

فروپاشی اتحاد شوروی و دنیای پس از جنگ سرد فصل نوینی از روابط خارجی را پیش‌روی سیاست خارجی کشورها قرار داد تا کشورها بنابر نیازهای داخلی و محیط خارجی و موقعیتی که در عرصه بین‌المللی دارند، منافع ملی خود را بر مبنای آن تعریف کنند. ایران و فدراسیون روسیه از آن کشورهای شالوده‌شکن نظم تک‌قطبی بر محور هژمونی آمریکا بوده و با دنبال کردن سیاست‌های چندجانبه‌گرایی در پی به‌دست آوردن جایگاه بین‌المللی برای خود هستند. روسیه به‌عنوان کشوری بزرگ، با توجه به منطق واقع‌گرایانه، به دنبال بازیافتن جایگاه گذشته خود و نظم چندقطبی در نظام بین‌الملل است. جمهوری اسلامی ایران نیز با به‌کارگرفتن سیاست و راهبرد نگاه به شرق به‌وسیله اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، در پی کاهش فشارهای ساختاری بر روی خود است. از این‌رو، هر دو کشور با توجه به فرازو نشیب‌هایی که از گذشته تاکنون بر روابطشان حاکم بوده است، با نگاه به نسبت مشترکی که به تحولات نظام بین‌الملل دارند، می‌خواهند ارتباطات و روابط خود را در چارچوب همگرایی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین توجه به ضرورت به منافع حاصل از این همکاری‌ها، روابط خود را گسترش دهند که گاهی از همکاری‌های شان به‌عنوان همکاری‌های مهم و همکاری‌های راهبردی یاد می‌شود. همکاری‌هایی که ابعاد مختلفی مانند اقتصادی، سیاسی، نظامی امنیتی را به خود گرفته است. در این میان حضور در سازمان‌هایی هم چون اتحادیه اقتصادی اوراسیا و مسائلی چون انرژی، مسئله دریای خزر، بحران‌های سوریه و افغانستان و همکاری در زمینه تروریسم و فروش تسلیحات گویای این شواهد است. البته در مورد همکاری و همگرایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بین دو کشور بیشتر همکاری ایران و روسیه، از سوی روسیه بیشتر سودمحور و عملگراتر بوده است و هرگاه این همکاری‌ها تأمین‌کننده منافع ملی هریک از دو طرف نبوده است، دو کشور از نظر ارتباط از هم دور شده‌اند. به همین دلیل بررسی همکاری دو کشور در زمینه سازمان‌ها و سازوکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند قابل توجه باشد. در این نوشتار به دنبال این پرسش هستیم که عامل اصلی سوق دادن دو کشور به سوی همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی چیست؟ منافع آن برای دو طرف چگونه خواهد بود؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عاملی برای افزایش قدرت در سطح منطقه و به‌دست آوردن توانایی چانه‌زنی در نظام بین‌الملل خواهند بود. روش به‌کار گرفته در این نوشتار، روش توصیفی تحلیلی و از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است.

واژگان اصلی: ایران، روسیه، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، همگرایی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، s.vosoughi@ase.ui.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، fatemeh.kolivand@ase.ui.ac.ir

نقش رسانه‌های جمعی در مدیریت افکار عمومی روسیه در مورد روابط

دوجانبه و چندجانبه با جمهوری اسلامی ایران

علی‌رضا ولی‌پور^۱

مصطفی فضلوی^۲

مهدیه قاسمی^۳

رسانه‌های جمعی مهم‌ترین ابزار مدیریت افکار عمومی در دنیا هستند. با گسترش دسترسی اینترنت علاوه بر رسانه‌های سنتی، انواع جدیدی از رسانه‌ها پدید آمده‌اند که در مجموع رسانه‌های جمعی را شکل می‌دهند. هر ساختار قدرتی برای پیشبرد هدف‌های خود از ابزار رسانه بهره می‌برد که هرچه از گستردگی و نفوذ بیشتری برخوردار باشند، میزان تأثیرگذاری خود در جامعه هدف را افزایش می‌دهد. در این میان رسانه‌ها براساس سیاست‌های تبیین‌شده از سوی صاحبان خود، برای گسترش مطالب می‌کوشند و این تقابل منافع را در گستره فضای نرم به وجود می‌آورد. افکار عمومی روسیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران را رسانه‌های جمعی مدیریت می‌کنند و برای نفوذ در لایه‌های مختلف جامعه روسیه باید در درجه اول راه نفوذ به رسانه‌های جمعی روسی‌زبان را پیدا کرد و از این ابزار برای پیشبرد هدف‌های کشور بهره برد. در این نوشتار پس از بررسی جایگاه ایران در اسناد بالادستی فدراسیون روسیه برای درک درست از مواضع رسمی دولت روسیه نسبت به جمهوری اسلامی ایران، عملکرد رسانه‌های جمعی روسی‌زبان در انتشار اخبار مرتبط با ایران در پلتفرم‌های مختلف را بررسی و ارزیابی نهایی از تأثیر آن اخبار بر جامعه گزارش آماری تهیه شده است. با این روش انحراف هر رسانه از مواضع رسمی دولت روسیه شناخته شده و معیاری برای تعیین رسانه‌های تأثیرگذار در روسیه به دست آمده است. این معیار می‌تواند در انتخاب رسانه برای گسترش اخبار مرتبط با جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان اصلی: افکار عمومی، ایران، رسانه جمعی، روسیه.

۱. استاد آموزش زبان روسی، دانشگاه تهران، alreva@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد آموزش زبان روسی، دانشگاه تهران، mfazlavi@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری آموزش زبان روسی، دانشگاه تهران، mahdiehghasemi72@gmail.com

Развитие Отношений Ирана С Субъектами Северо-Кавказского Федерального Округа В Начале XXI Века

Крючков И.В.¹

В последние годы развиваются контакты Ирана с субъектами Северо-Кавказского федерального округа. Иран проявляет особый интерес к развитию контактов с Северной Осетией – Аланией на основании близости двух народов к иранской языковой семье. Во Владикавказе действует консульство ИРИ. При Северо-Осетинском государственном университете им. К.Хетугурова действует Иранский культурный центр. В тоже время, экономические, культурные и спортивные контакты Северной Осетии – Алании с Ираном находятся, несмотря на все договоренности на низком уровне и скорее носят спорадический характер. Тема культурно-языковой близости осетин и иранцев в республике более растиражирована в сравнении с Ираном, где она является в большей степени объектом для деятельности научного сообщества. Не способствует развитию диалога Ирана и Северной Осетии - Алании не признание Тегераном независимости Южной Осетии и принадлежность к разным культурно-религиозным кодам. Однако потенциал для сотрудничества огромен и его следует реализовать в будущем.

Иранцы, проживающие на территории республики, входили в состав Азербайджанского культурно-просветительского общества «Азери». После раскола среди представителей азербайджанской общины в РФ, иранцы создают свое национально-культурное общество «Единение» (в республике, в основном во Владикавказе проживает около 80 иранцев.

Иран является вторым внешнеэкономическим партнером Дагестана. Иран проявляет интерес к расширению экспортно-импортных операций через порт Махачкалы. Перспективным направлением сотрудничества может стать размещение совместных предприятий в Дагестане с последующим выходом их продукции на российский рынок.

В Иране наблюдается интерес к нефтегазовым ресурсам республики, ее гидроэнергетическим возможностям, совместному производству и переработке кварцевых и формовочных песков, стронциевых концентратов. В 2019 г. достигается соглашение о создании индустриального парка в Ногайском районе РД, а в 2021 г. об открытии торгового дома Ирана в республике. Поднимается вопрос о развитии туризма, в том числе круизного между ДР и ИР.

Дагестанский государственный университет расширяет связи с ведущими образовательными и культурными центрами Ирана. Одним из результатов этого сотрудничества является создание на базе факультета востоковедения ДГУ Центр Иранистики.

В условиях нарастания антииранской риторики в Азербайджане Иран поднимает проблему разделённых народов на Кавказе. В иранских СМИ, научном сообществе поднимается вопрос о положении в Азербайджане аварцев и лезгин, проживающих в северных районах Азербайджана. На территории Дагестана находится лезгинское селение Мискинджа (3500 чел.), жители которого исповедуют шиизм. В нем действует 5 мечетей, молодёжь селения отправляется в Иран для получения образования, в такие шиитские центры (Кум и Мешхед).

Иран занимает весомые позиции в развитии внешнеэкономических связей Ингушетии, где на Иран приходится 33,8% ее экспорта, Северной Осетии-Алании. Но в суммарном выражении крупнейшим внешнеэкономическим партнером Ирана в СКФО является Ставропольский край.

¹ Северо-Кавказский федеральный университет, igory5@yandex.ru

Russian-Iranian Relations and the Ukrainian Crisis: Old Challenges, New Perspectives

Nikolay Kozhanov¹

Growing degree of confrontation in the modern system of international relations compel players form new and strengthen old alliances in order to be able to achieve their goals. Under these circumstances, Moscow and Tehran seem to be looking again for options to bring their relations to a new qualitative level. Past experience taught them how to focus on those issues where they have common interests and consider existing differences in approaches as tactical. This made it possible for Moscow and Tehran to cooperate in Syria, reach agreement on the legal status of the Caspian Sea and have effective dialogue on the situation in Afghanistan. At the same time, in the absence of solid economic foundations and joint strategic vision of long-term prospects for Russian-Iranian dialogue, such situational interaction on certain political issues still does not allow considering these relations sustainable in the long-run. Moreover, there are few chances to change this situation, especially considering that traditional obstacles and limitations for the bilateral dialogue have not gone away. However, it is also hard to deny that the current environment are now somewhat more favorable for establishing closer relations between Moscow and Tehran than before. Firstly, the Russian-American confrontation has entered such a phase that the ties between Moscow and Washington cannot be expected to improve any time soon, and, therefore, the Kremlin does not need to restrain itself with regard to interaction with Tehran, so as not to harm relations with the West. Consequently, Moscow already supported Iran's entry into the SCO and began to actively undermine the US attempts to use international institutions, including the UN Security Council, to exert pressure on Tehran on the nuclear issue. Secondly, there is a growing understanding in Tehran that cooperation with Moscow and Beijing as key partners is an inevitable long-term reality in which Iran will have to live. Even if the sanctions are partially lifted in the near future, the influx of Western investors should not be expected. Iran will be "toxic" for them for a long time, which cannot be said about Chinese and Russian business. And finally, the Beijing factor. Strengthening the importance of ties with China for both players allows for the implementation of multilateral cooperation formats that make a number of economic projects more feasible than before. Under these circumstances, it is not surprise that, in January 2022, Raisi's visit to Moscow fulfilled the main goal - it made it clear that despite the fact that both Russia and Iran would prefer other partners in other conditions, here and now they will have to continue working with each other.

Keywords: Iran, Russia, past experience, new perspectives, Ukrainian Crisis

¹ Research Associate Professor at the Gulf Studies Center, Qatar University

Consulting Fellow, Russia and Eurasia Programme, Chatham House, n_a_kozhanov@mail.ru

Iran and Russia as Objects and Subjects of Western Psychological Operations and Information Warfare

Greg Simons¹

Countries in the international relations system can be divided between objects and subjects of the prevailing system of power relations and interactions. Object actors are manipulated and controlled by other actors for their own benefit or at least to prevent any benefit that contradicts the perceived interests of the manipulator. Subject actors, to lesser and greater degrees of independence, follow their own interests and objectives, although at different levels of power intensity (superpower or great power or lesser power) and geographical impact (local, regional and global levels). Currently, the system of transformation of the global geopolitical hegemony is creating increased imbalance and increased conflict in the system. The imbalance comes from the effects of the declining unipolar US-led Western global order towards a multipolar non-Western configuration. The increased conflict is created as a reaction by the declining global towards their loss of power and influence, and their attempts to prevent the relative rise of competitors and challengers to their system of power and privilege. These processes and trends can be analysed and predicted through a systematic informational and cognitive approach, which first of all involves an appreciation of the realms of the human environment and existence. Understanding the three realms of the human environment is essential to understanding how and why certain trends and processes occur in politics and information, especially in the context of psychological operations and information warfare more broadly. There are three realms – physical, informational and cognitive. The physical realm is the environment where objects and subjects physical act and interact in an objective tangible sense. Whereas the information realm is where actors, actions, events, trends and processes are subjectively interpreted and projected by various stakeholders. In the cognitive realms, the various stakeholders make sense of the interplay between the physical realm and information realm, together with existing experience and knowledge to consolidate or challenge their world view, opinions and actions.

One of the concepts applied, in psychological operations and information warfare settings is that of the *Orthodoxy of Knowledge*. This is intended to create cognitive consensus through the informational realm, where a singular explanation (interpretation) of the physical realm becomes ‘common sense’ and other explanations (even if they are true) are excluded. It can be applied to political and geopolitical actors, actions as well as topics of policy and discussion, the intention being to control the flow of information around an object or subject so as to limit

¹ Researcher at the Institute for Russian and Eurasian Studies at Uppsala University in Sweden and a leading researcher at the Humanitarian Institute of Ural Federal University in Russia, gregmons@yahoo.com

their operational choices and to free the hand of the possessor of the *Orthodoxy of Knowledge* owing to presumed and projected political legitimacy and ethical righteousness in what they do, for example, the attempts to force a renegotiation of the JCPOA that greatly disadvantaged Iran or Russian sanctions.

The Orthodoxy of Knowledge is used as informational and cognitive support for the US and its allies Obstructive Foreign Policy agenda, the intention of this agenda is an attempt to obstruct potential foreign policy strengths and opportunities among rising powers at the local, regional and global level. This is most clearly seen in the current trade war and economic war against China, the primary economic competition. But it can also be seen in the economic war against both Iran and Russia as a means of attempting to reduce economic and other opportunities to expand their power and influence through trade and diplomacy. The ultimate goal is to limit their individual rise in power and influence and therefore, contextual logic would indicate the US would retain an overall advantage over individual subjects of the international system. Though this logic is likely to be a false one owing to the significant self-inflicted damage and destruction on their own military, political, economic and social system as liberalism takes an increasingly radical ideological turn where short term foreign and security policy tactics destroy the basis of the West's strategic power and influence.

Keywords: perception management, Western information warfare, manipulation, international relations, orthodoxy of knowledge, obstructive foreign policy

Potential Instability and Crisis in Central Asia:

The Role of Iran and Russia

Guli Yuldasheva¹

The paper is aimed to show the role and significance of Iran and Russia in preventing instability and crisis in Central Asia. In contrast to some Western opinions on the role of Iran and Russia as “spoilers” in the issues of Central Asian security, the paper demonstrates that both states can be regarded as regional actors and integrators of the region, whose resources and abilities could contribute to modernization and comprehensive stabilization of the region. To achieve the goal, comparative, system-strategic and statistic approaches have been used.

Keywords: Central Asia, economic development, security, instability, crisis, Iran, Russia

¹ Political Sciences, PhD. Senior Fellow at the Department of the Coordination-Methodological Center on Contemporary History of Uzbekistan in the Academy of Sciences of the Republic of Uzbekistan, guli_57@mail.ru

Terrorism in Central Asia and the role of Russia and Iran in the stability of region: a case study of Kazakhstan

Zaru Utekova¹

Today, terrorism has become one of the most important global problems of our time, and therefore all countries of the world suffer from one form or another of terrorism. In particular, almost all Central Asian countries face a significant threat of terrorism, especially from religious extremism, including Kazakhstan.

This dissertation is devoted to the study of terrorism as a threat to national security in Central Asia and the key characteristics of role of Russia and Iran in the anti-terrorism policy in Central Asia, but more deeply on the example of the Republic of Kazakhstan.

Indeed, today we can say with confidence that this topic is relevant because it has an important place on the political agenda of Russia and Iran.

Accordingly, the combating to terrorist threats requires cooperative opposition of Russia, Iran and Kazakhstan in closer form. Therefore, this topic represents a wide area for relevant research.

Thus, the relevance of this topic lies in the fact that terrorism as a global problem requires the constant attention and the study, therefore, all these countries should be ready for any scenario in modern conditions.

Keywords: Central Asia, Kazakhstan, Russia, Iran, religious extremism, terrorism.

چکیده مقاله‌های نخستین همایش بین‌المللی
روابط ایران و روسیه در پرتو تحولات نوین منطقه‌ای

Representation of Russia and its foreign policy in Iranian media

Ali Ahmadi¹

Seyed Mohammad Hossein Mirhashemi²

Iran-Russia relations are very important for both countries due to the different areas of cooperation between them, and these relations have found new manifestations in the light of recent developments in the region and the world. The way the Iranian media deals with these relations is itself important and shows valuable points about that. The relations between the two countries, while important, also have complexities that itself influenced by areas of common interests and conflicting interests of the two countries. The reflection of these complexities in the Iranian media has led to subtleties in the way news related to Russia is represented. This study analyze the representation of two different international events with major Russian role-playing over the past year in ISNA news agency and Fars news agency, as representatives of the two dominant political discourses in the country. The research has been done by discourse analysis method and tries to reveal the discourse components used by these media to represent the events. The news revolves around two major subjects that have been controversial in Iran and have led to conflicting stances. The development of the Sputnik and supply of this vaccine in Iran, as well as the war between the Republic of Azerbaijan and Armenia over Nagorno-Karabakh and the manner in which Russia intervened, are two central issues that have been covered in the domestic media. This research is still ongoing.

Keywords: mass media, media representation, discourse analysis, Russia.

^۱ Assistant Prof. in Social Communication Sciences, Allameh tabataba'i university, Tehran, Iran

^۲ MA in Media Mangement, Allameh tabataba'i university, Tehran, Iran

Iran and Russia “Security Trilemma” in the Post-NATO Afghanistan

Masomeh mohammadi¹

Afghanistan has been one of the crucial security dilemma in modern history, especially for the super powers. This country which in the last century has been failed the three world superpowers - Britain, Russia and the United States - to achieve their security goals, is now on the verge of a new historical turning point with the withdrawal of the US and the NATO forces. Under these circumstances, the power vacuum resulting from the withdrawal of foreign forces from Afghanistan has turned the security situation in the country into a critical triangle among government forces, the Taliban, the ISIS and other fundamentalist Salafi groups. This has put Afghanistan's neighboring countries, especially Iran, Russia, and China, in a security trilemma of threatening situations, also opportunity in the postwar period. Adopting descriptive-analytical methods, this study aims at elucidating the security challenges and future opportunities facing Iran and Russia after managing the future crisis in Afghanistan in post-NATO area with existing turmoil, civil war and re-empowerment of the Taliban.

Keywords: Afghanistan, NATO, Iran, Russia, U.S, Taliban.

¹ Phd student in political sociology Islamic Azad university, Central Tehran Branch, Iran, masomehmohammadi90@gmail.com

The Impact of the Syrian Crisis on the Russia-Iran Relationship

Velikhan S. Mirzekhanov¹

Zahra Ghiasi²

With the breakout of Arab Spring in the Middle East and North Africa in 2010, the stability of the two regions was threatened, and emerging risks transformed the Middle East order along with political and ideological groupings. At first, different countries reacted to the protests with confusion and attempts at exact evaluation of the transformations. With the spread of protest throughout the two regions and the formation of various terrorist groups, the interests of many countries in the region and beyond was threatened.

Syria was one of the countries whose stability has been affected the most by the crisis. The protests in Syria were accompanied by foreign intervention and the strong and constant presence of terrorist groups. The first protests commenced in March 2011, in the city of Daraa, located near the Jordan border.

The protests gradually grew violent, and, with the formation of the Free Syrian Army, the conflict between the opposition's troops and Bashar al-Assad's government in Damascus escalated. The formation of radical groups such as the Mujahedeen Army, Al-Nusra Front, ISIS, organizationally connected with Al-Qaeda and sharing a common ideology with it, on the one hand, and the interference of regional and international powers, on the other hand, made the crisis more complicated and caused terrible consequences. According to the United Nations, 400,000 people have been killed, more than 500,000 injured, and about 7 million displaced since the start of the terrorist war in Syria. Almost 70% of the Syrian industry was destroyed and more than two million houses belonging to Syrian civilians were ruined or seriously damaged.

The main reason for the permanency of the crisis was the existence and regular emergence of conflicting interests and different perspectives among players on the internal scene. International players became involved in the conflict, too. Among the countries that have opposed the Syrian government were the United States, Saudi Arabia, and Turkey whereas Iran, Russia, and China were among those that have supported Assad's government.

Using a descriptive-analytical approach, the author seeks to answer the following question: How is the breakout of the Syrian crisis going to affect Russia-Iran relations? Given that from the onset of the Syrian crisis, Iran and Russia have had shared interests and goals and faced similar threats, one is witnessing a greater convergence between the two countries in the Middle East issues since the collapse of the Soviet Union. For the first time since the beginning of the 21st century, the crisis puts both Iran and Russia on the same side of the barricade in this recent crisis in the Middle East.

Since the ongoing crisis in Syria has become more dangerous, the president of Syria Bashar al-Assad invited both Iran and Russia to support his government

¹ Professor of the Department of Foreign Regional Studies and Foreign Policy, Russian State University for Humanities

² Ph.D. Student of History of International Relations, Russian State University for Humanities, zhr.ghiasii@gmail.com (Corresponding Author)

against armed opposition and terrorist groups, and also, to find a political solution to the crisis to end it. That prompted active political and security collaboration between Iran and Russia.

At the same time, both Iran and Russia have their own goals and interests that determined their participation in the conflict. The two countries have grown closer while dealing with similar or shared strategic problems (for example, the necessity to resist the influence of the West, particularly that of the United States). Through tactical and cross-sectional support for the Bashar al-Assad government and fighting against terrorist groups, especially after ISIS took control of most of Syria, they managed to form a coalition in the area. It should be noted that Syria has been the sole remaining partner of Russia since the collapse of the Soviet Union and the only strategic ally of Iran in the Middle East. To be sure, the loss of Syria to the West or terrorist groups will create geopolitical, security, economic, and other problems for both Iran and Russia.

Before the crisis broke out, Iran and Russia were experiencing ups and downs in their political relationship since the downfall of the Soviet Union. In the early 1990s, for example, under the influence of Washington and through its interventions westernization was dominant in the foreign policy of Russia. Due to bitter experiences in the relationship between them, mistrust and mutually negative attitudes abounded in Russia-Iran relations. However, with Vladimir Putin's administration pursuing multilateralism and multipolarity in international relations, with Russian officials and elites' focus on the ideology of Eurasianism, and the adoption by the Russian government of the 'Look to the East' policy, the relationship between the two countries gradually improved. On the one hand, since the breakout of conflicts in Ukraine, Crimea, and Syria, there has been a major clash of interests between Russia and the West at both national and security levels which led to increased tensions. On the other hand, thanks to the 'Look to the East' policy, Iran, being a country independent of the West, has doubled its influence in the Middle East. The crisis in Syria can be seen as the turning point in the relationship between the two countries during this period

However, it should be noted that the structure of the system of international relations does not always allow the governments to preserve their partnerships and continue strategic either bilateral or multilateral cooperation forever. Since, being parties in an anarchic system, governments always strive to safeguard their national interests and increase their power and authority, the cooperation will only continue as long as it serves these two purposes. It also should be taken into account that Russian interests in the Middle East do differ in some aspects from those of Iran. Russia seeks mutual understanding to establish constructive relations with all countries of the region, including Israel, with which Iran has tense relations.

As a result, the alliance of the two countries in the Syrian crisis not only resulted in the first good military and operational experience but also revived Russia's prestige in the Middle East and increased Iran's influence in this region. The method in this paper is descriptive-analytical.

Keywords: Arab Spring, common interests, Iran, national interests, Russia, Syrian crisis.

Russia's Military Diplomacy in West Asia

Reza Ekhtiari Amiri¹

Following the dissolution of the Soviet Union, the new state, called the Russian Federation, endeavored to utilize different tools to enhance its position in international system. Accordingly, despite modern Russia's constrained resources, its foreign policy has long operated on a global scale. And one key area of this worldwide remit is increasingly West Asia, where military agreements and cooperation are again driving the diplomatic outreach. Thus, the past several years saw several new initiatives designed to upgrade Russia's military presence in various West Asian countries. With regard to Moscow's military undertakings and activities, main question of the research is how does military diplomacy help Russia to advance its national interests in West Asia? The hypothesis is that Russia through some initiatives such as arm sale, information cooperation, implementing tactical military operations, enhancing the military personnel, conducting common military exercises with regional countries, sending armament aids, military specialists and also consultants has tried long-term entry into and influence over governments across the West Asia. Indeed, Moscow exploits the leverage provided by military diplomacy in order to build close ties with regional states. The pattern strongly suggests that the ultimate aim for Moscow is to obtain foreign policy goals in the region and also present itself as an influential actor in international arena. Russia's West Asia policy is not primarily guided by the quest for raw materials or foreign markets but national security strategy and global prestigious. The research method is analytical-explanatory and data will be collected through internet and library resources.

Keywords: Russia, West Asia, military diplomacy, national interests, foreign policy.

1. Assistant Professor of International Relations, University of Mazandaran, r.ekhtiari@umz.ac.ir

**Proceedings of the International
Conference on Iran – Russia Relations
in the Light of New Regional Developments**

Tehran, Monday, February 28, 2022

Head of the Conference: Dr. Elaheh Koolaee

Scientific Secretary of the Conference: Dr. Shiva Alizadeh

Executive Secretary of the Conference: Jafar Khashe

Coordinator: Peyman Kavianifar, Researcher at the Center for Central Eurasia Studies

Scientific Committee and Board:

Dr. Akbar Valizadeh, Dr. Mohammad Reza Majidi, Dr. Jahangir Karami, Dr. Bahareh Sazmand, Dr. Seyed Mehdi Hosseini Taghiabad, Dr. Alexander Shatilov, Dr. Alexander Chulukhadze, Dr. Alexander Iskandaryan, Dr. Alan Uadati, Dr. Dmitri Plintiev, Dr. Anar Valiyev

Editor of Proceedings: Azam Moradi Tabrizi

Organizer:

Center for Central Eurasia Studies of University of Tehran

Partners:

Caucasus Studies Institute, Iranian Regional Studies Association, News Agency of the Islamic Republic of Iran (IRNA) and Allameh Tabataba'i University

Proceedings of the International Conference on Iran – Russia Relations in the Light of New Regional Developments



Center for Central Eurasia Studies, University of Tehran,
Monday, February 28, 2022